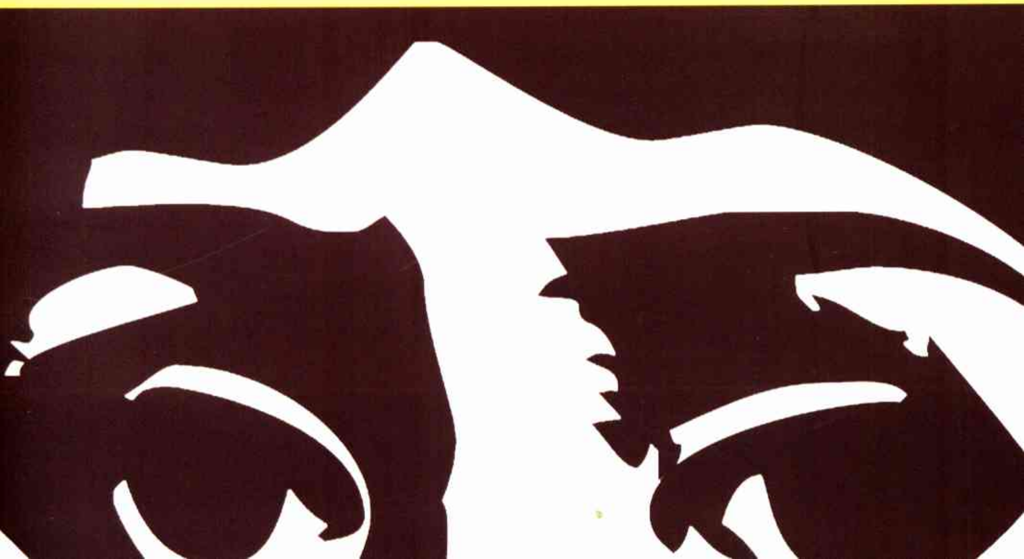
دروغ‌گویی کودکان

تألیف:
رضا فرجی



دروغگویی کودکان

(شناخت و پیشگیری)

مؤلف:
رضا فرجی

سرشناسه	: فرجی، رضا، ۱۳۴۶.
عنوان نام پدیدآور	: دروغگویی کودکان (شناخت و پیشگیری) مؤلف رضا فرجی
مشخصات نشر	: سنندج: آراس، ۱۳۸۸
مشخصات ظاهری	: ۴۷ص.
شابک	: ۹۷۸ـ۹۶۴ـ۸۶۲۰ـ۸۹ـ۴
فهرست‌نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتابنامه، ص ۴۸ ـ ۴۹
موضوع	: راستگویی و دروغگویی در کودکان
موضوع	: کودکان ـ ـ روان‌شناسی
رده‌بندی کنگره	: BF۷۲۳/ر۲ف۴ ـ ۱۳۸۸
رده‌بندی دیویی	: ۱۵۵/۴۱۸
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۴۷۰۳۹۱

شناسنامه کتاب

نام کتاب:	: دروغگویی کودکان
مؤلف:	: رضا فرجی
ناشر:	: آراس
تیراژ	: ۳۰۰۰ جلد
نوبت چاپ:	: اول ۱۳۸۹
صفحه‌آرایی:	: آشنا (سنندج)
قیمت:	: ۱۰۰۰ تومان
شابک:	: ۹۷۸ـ۹۶۴ـ۸۶۲۰ـ۸۹ـ۴

ISBN: ۹۷۸-۹۶۴-۸۶۲۰-۸۹-۴

مرکز پخش: سنندج، پخش کتاب امام غزالی

تلفن ۲۲۵۶۱۰۰ ـ ۰۸۷۱

فهرست

مقدمه:

همه ما داستان چوپان دروغگو و عواقب آن را شنیده یا خوانده‌ایم. صفت بارز چوپان دروغگو، یعنی دروغگویی صفتی است که از ویژگی‌های کودکان و گاهی بزرگسالان است که فقط منحصر به زمان چوپان دروغگو نبوده و در واقع دروغ در تمام ادوار و اعصار یک آفت اجتماعی است که باعث به وجود آمدن بسیاری از پستی‌ها و بدی‌ها می‌گردد، بدیهی است جامعه‌ای که در میان افراد آن دروغ رایج و متداول باشد قطعاً جامعه‌ای صالح و سالم نمی‌باشد، بلکه ملتی در حال ترقی و پیشرفت است که صداقت و درستی در آن استوار و پا بر جا باشد، زیرا دروغ دشمنی و کینه توزی را در میان مردم ببار می‌آورد و منجر به بی اعتمادی در میان آنان می‌گردد و آنان را از همدیگر دور می‌سازد بطوری که هیچ گونه تعاون و همیاری در بین آنان انجام نمی‌گیرد، و فاقد هر گونه الفت و محبت نسبت به همدیگر می‌باشند، و از این جهت است که اسلام کذب را یکی از گناهان کبیره شمرده است و می‌فرماید: «إِنَّ اللهَ لاَ يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذّابٌ»[1] بی گمان خداوند کسی را (به راه نجات و رستگاری) رهنمود نمی‌سازد که تجاوز کار و دروغ پرداز باشد. و باز می‌فرماید: « ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ»[2] پس دست دعا و التماس به سوی خدا بر می‌داریم و نفرین خدا را برای دروغگویان تمنا می‌نمائیم.

پیامبر اکرم (ص) نیز مسلمانان را به صداقت و راستگویی سفارش نموده و از دروغ پردازی و دو روئی بر حذر داشته است و می‌فرماید: « إِنَّ الصِّدْقَ يَهْدِي

---

۱. [غافر/۲۸]

۲. [آل‌عمران/٦١]

إلی الْبِرّ یَهْدِی إلی الْجَنَّه وَ إنَّ الرّجُلَ لَیَصدُقُ حَتّی یُکْتَبَ عَندَالله صِـدّیقاً، وَ إنَّ الکِذْبَ یَهْدِی إلی الْفُجُورَ یَهْـدِی إلـب النّـارِ و إنَّ الرَّجُـلَ لَیَکْـذِبُ حَتـیَّ یُکْتـبَ عِندَالله کَذّاباً »[1] صـداقت و راسـتگویی انـسان را بـسوی خیـر و نیکـی هـدایت می‌کند، و خیر و نیکی نیز او را بطرف بهشت رهنمود می‌نماید و مسلماً شـخص راست می‌گوید تا اینکه نزد خداوند به عنوان فرد بسیار راستگو به حساب آید، و تردید نیست دروغ پردازی انسان را به طرف فسق و فجور هدایت می‌کند و بـی گمان فسق و فجـور نیـز او را بـسوی دوزخ رهنمـود مـی‌سـازد و شـخص دروغ می‌گوید برای اینکه نزد خدا به عنوان فردی بسیار دروغگو به حساب آید.

باز پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: « آیَهُ الْمُنافِقِ ثَـلاثٌ إذا حَـدَّثَ کَـذَبَ وَ إذا وَعَدَ أخْلَفَ وَ إذا أؤْ تُمِنَ خانَ»[2] نشانه شخص منافق سه چیز است: هرگـاه سـخن گوید، دروغ گوید و هر گاه وعده دهد، خلاف وعده کند و هر گـاه امـانتی بـه او سپرده شود در آن خیانت ورزد. بدون شک کودکان صـداقت و راسـتگویی را از والدین خود می‌آموزند. آنچه پـدر و مـادر مـی‌گوینـد و سرمـشقی اسـت بـرای فرزندانشان تا از این طریق نحوه رویارویی با مـسائل و مـشکلات را یـاد بگیرنـد زمانیکه والدین و اعضای خانواده سعی می‌کنند هر واقعه‌ای را آن طور که اتفاق افتاده است، برای یکدیگر تعریف کنند، در حقیقت صداقت و راسـتگویی را در بین اعضای خانواده خود استوار می‌سازند.

بتوانند بدون ترس و دلهره به زبان آورند. برای موفقیـت در ایـن امـر، بهتـر است به جای سرزنش کودک، درصدد یافتن علت و خطـا و پیـشامد فـوق بـود، یافتن و درک حقیقت اولین گام برای آموزش راستگویی به کودکان است.

---

۱. روایت از بخاری و مسلم.

۲. روایت از بخاری و مسلم.

کلیات

یکی از صفات پسندیده هماهنگ با سرشت آدمیان « راستگویی» است. هر انسانی بالقوه مایل است راست بگوید و همچنین سخنانی را که از دیگران می‌شنود راست تلقی کند. دروغ گفتن، انحراف از صراط مستقیم و فطرت انسانی و مخالف وجدان اخلاقی است. متأسفانه این مرض خطرناک، مخصوص بزرگسالان نیست، بچه‌های کوچک نیز به این ناهنجاری دچار می‌شوند و از کودکی به دروغگویی عادت می‌کنند و گاهی چنان به این عادت ناپسند انس می‌گیرند که از دروغ گفتن لذت می‌برند و از اینکه دیگران را با گفته‌های نادرست و غیر واقعی خود جذب کنند، مسرور می‌شوند پدران و مادران و مربیان باید بدانند که دروغگویی ناخوشی خطرناکی است که ممکن است از دوران کودکی بروز کند و فرد تا پایان عمر به آن مبتلا باشد. البته باید متمرکز شد که هیچ انسانی فطرتاً دروغگو نیست، بلکه دروغگویی را از محیط خود، یعنی خانواده، مدرسه، دوستان و به طور کلی اجتماعی که در آن زندگی می‌کند یاد می‌گیرد. این خوی ناپسند به مرور زمان تبدیل به عادت شده و گاه کل شخصیت فرد را پوشش می‌دهد، بنابراین دروغگویی افراد، هم از نظر علت و زمینه پیدایش و هم از نظر

حتی در سنین بالاتر نیز قدرت تخیل کودک به حدی قوی است که گاهی موجب می‌شود آنچه را که تصور کرده است، حقیقت بپندارد، بنابراین در این مواقع، توصیه می‌گردد کودک را به بیان جزئیات اشیا و پدیده‌ها مجبور نکنیم و از او در حد رشد ذهنی‌اش انتظار ارائه پاسخ داشته باشیم، مهمتر از اینکه هرگز به تخیلات او نخندیم و او را مسخره نکنیم و بیهوده تلاش نکنیم مچش را بعنوان دروغگو بگیریم، بلکه با خونسردی با وی برخورد کرده و به او بفهمانیم چه چیزیهایی واقعیت و چه چیزهایی غیر واقعی‌اند. برخی از والدین اغلب نگران دروغ‌های کودک یا نوجوان خود هستند و ممکن است ندانند که باید چه روشی را در مقابل دروغهای او اتخاذ کنند. آیا آن را نادیده بگیرند؟ کودک را تنبیه کنند؟ می‌توانند به تنهایی آن را مدیریت کنند یا باید کمک متخصصین را بطلبند؟

برای اینکه فرزندان خود را راستگو تربیت کنیم ابتدا باید نسبت به اعمال خود نهایت دقت را داشته باشیم و نیز در ارتباط خود با دیگران دقت کنیم، زیرا در یک جامعه معمولاً تربیت‌های متفاوتی وجود دارد. تربیت کودک باید از همان دوره طفولیت او آغاز شود، صداقت و راستگویی از مواردی است که باید قبل از سنین مدرسه به آن توجه شود.

دروغ گفتن یکی از رفتارهای متداول کودکان ٤-٥ ساله است که از لحاظ اخلاقی اشکالی ندارد. کودکان در این سن و سال معمولاً به دو شکل دروغ می‌گویند که نخستین آن خیال پردازی است،

میزان و شدت و ضعف با یکدیگر متفاوت است.

دروغگویی از نظر لغوی به معنای کتمان واقعیت است. فرد دروغگو از طریق دروغ گفتن ضعف‌های خود را می‌پوشاند و شنونده را گمراه می‌سازد. خود را از تنبیه نجات می‌دهد و بدان

وسیله توجه دیگران را به خود جلب می‌کند. دروغ بیان مطلبی است که فرد به قصد فریب دادن دیگران با آنکه خوب و خودآگاهانه می‌داند که نادرست می‌باشد، اظهار می‌دارد. دروغگویی با افسانه سرایی تفاوت دارد. زیرا در افسانه سرایی فرد در هنگام داستان سرایی واقف و آگاه بر دروغگویی خود نمی‌باشد. دروغگویان تمایل به تکذیب حقیقت یا دروغگویی موضوع دارند و به تدریج این مسئله جزو عادات آنها می‌گردد.

در بین کودکان خردسال که با جزئیات اشیاء و پدیده‌ها آشنایی کافی ندارند، دروغگویی بیشتر جنبه رویا و خیالبافی دارد و کمتر به منظور فریب دیگران انجام می‌شود، در حقیقت تا سنین سه تا چهار سالگی، دروغ به مفهومی که برای بزرگسالان مطرح است در کودکان وجود ندارد. بنابراین هر گاه در این سنین واقعیات بطور وارونه یا منحرف ارائه شود، هدف کودک امتیاز نیست. بعد از سنین چهار سالگی، تدریجاً بر اثر دخالت‌های عوامل محیطی، تربیتی نادرست دروغگویی در کودک شکل می‌گیرد. علت این است که در کودکان بین واقعیت‌ها و تخیلاتشان تفاوتی قائل نمی‌شوند، یعنی چیزی را که می‌بینند و چیزی را که تصور می‌کنند، یکی می‌پندارند

کودک با جعل داستان یا با طرح مبالغه‌آمیز بعضی از واقعیات، اغلب خواسته خود را با ما در میان می‌گذارد و غیر مستقیم از امیالش صحبت می‌کند. در این صورت بهتر است که پدر و مادر در تأیید خواسته کودک حرف بزنند.

دروغ نوع دوم، دروغ به اصطلاح مفید است، دروغی است که بزرگترها هم می‌گویند و آن را به حساب دروغ مصلحت‌آمیز می‌گذارند تا به جای نتیجه بد، نتیجه خوب بگیرند، در این مرحله از رشد کودک تنها کار درست را در خواسته خود می‌جوید و با استفاده از دروغ برای رسیدن به خواسته‌اش تردیدی به خود راه نمی‌دهد. در این موارد باید به کودک تفهیم کنیم که از راستگویی و صداقت او خوشحال می‌شویم باید بداند که دروغ‌و دروغگویی را دوست نداریم. باید توجه داشت که این مسئله در سنین بالاتررفتاری ناپسند است‌که به کودک شخصیت ساختگی و تصنعی می‌بخشد. هرگاه کودک شما در موقعیت نامطمئن و ناامن قرار گیرد و احساس خطر یا حقارت کند به گفتن دروغ متوسل می‌شود. کودک دروغگو به گفته‌هایش ایمان ندارد و به طور قاطع و صریح حرف نمی‌زند، به تدریج اعتماد خود را به دیگران از دست می‌دهد و نسبت به اطرافیان بدبین می‌شود. متأسفانه برخورد بسیاری از والدین در این موارد با تنفر همراه است زیرا از خود سؤال می‌کنند که چرا فرزندشان دست به چنین عملی زده است؟ در برخورد با چنین مواردی والدین نباید به چشم یک آدم دروغگو به کودک نگاه

کنند و یا دائماً به آنها ظنین باشند، زیرا چنین برخوردی عواقب ناگواری را به همراه خواهد داشت. برای پیشگیری و درمان دروغگویی، شناخت علل آن کاملاً ضروری است بعضی برای کوچک نشدن و بعضی‌ها برای بزرگ شدن به دروغ متوسل می‌شوند، بعضی به دروغ همرنگ جماعت می‌شوند و آنی رنگ عوض می‌کنند، بعضی با دروغگویی می‌خواهند بزرگها را کوچک کنند. بعضی کوچک‌ها با دروغگویی و فریب می‌خواهند در جای بزرگان بنشینند. دروغگویی ابزار دست ضعیف دستان است که بجای اینکه تلاش کنند با دروغ گفتن می‌خواهند راه صد ساله را یک شبه بروند. دروغگویی به عنوان یک مشکل علل گوناگون و متعددی دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

انواع دروغگویی:

روانشناسان دروغگویی را به ۸ دسته تقسیم می‌کنند:

۱. دروغ گویی انتقام جویانه: این نوع دروغگویی کودکان جهت آزار و انتقام از افرادی است که مورد خشم او قرار گرفته‌اند و یا به نحوی او را مورد تنبیه قرار داده‌اند که فرد خود مستحق آن نمی‌دانسته است. دروغگویی انتقام جویانه از نفرت کودک به شخص یا شیء ناشی می‌شود.

۲. دروغ محدود: که جهت فرار خود یا دوستان از تنبیه که در

نتیجه ترس از مقررات شدید و یا تنبیه بدنی ناشی می‌شود.

۳. دروغ خودخواهانه: این نوع جهت خودخواهی و رسیدن به یک نیاز بوده و دروغی است حساب شده بمنظور گول زدن دیگران برای بدست آوردن آنچه را که میخواهد.

٤. دروغ‌های خیالی یا داستان پردازی: در این نوع دروغ، کودکان سعی می‌کنند به خیالات خود صورت واقعی بدهند، آنان با این نوع می‌خواهند حوادث تخیلی و یا بازی را به دیگران بفهمانند.

۵. دروغ مبهم: این نوع از ناتوانی کودک در گزارش دقیق جزئیات و یا مغالطه کردن ناشی می‌شود که دراصل برمی‌گردد به توان حافظه، گنجایش و نحوه پردازش آن و نیز محدودیت حافظه در این موارد.

٦. دروغ پوچ: کودکان جهت جلب توجه کردن دیگران این دروغ را می‌گویند.

۷. دروغ عرفی یا وفادارانه: به منظور حفظ و مراقبت از دوست یا دوستان انجام می‌گیرد.

۸. دروغ عادتی: به دلیل الگوبرداری از والدین یا دیگران فرا گرفته می‌شود.

علل و انگیزه‌های دروغگویی

فردی که دروغ می‌گوید، ممکن است انگیزه یا انگیزه‌های متعددی داشته باشد که شناخت این عوامل در پیشگیری و درمان

آن، لازم و ضروری است. ممکن است فرد به یک دلیل و یا دلایل متعدد دروغ بگوید، در زیر به نمونه‌هایی از علل و عوامل و انگیزه‌های دروغگویی اشاره می‌شود.

※ انگیزه ابراز وجود: کودکان بطور فطری به توجه نیاز دارند و گاهی برای جلب توجه دیگران به خود، دروغ می‌گویند، کودکان در سنین پایین به چشم و گوش دیگران نیاز دارند که حرفهایشان شنیده شده و چشمی به صورتشان در زمان صحبت کردن خیره شود. اگر کودک نتواند از روش‌های طبیعی جلب توجه کند به روشهای غیر طبیعی از جمله گفتار گمراه کننده و اعجاب انگیز متوسل می‌شود تا از این رهگذر، توجه از دست رفته را جبران نماید.

※ انگیزه خیال پردازی: برخی از کودکان به دلیل نامساعد بودن اوضاع خانواده و تمایل شدید به دروغگویی، مرز خیال را از واقعیت باز نمی‌شناسند و در نتیجه این دو قلمرو را در هم می‌آمیزند و حاصل آن، بیان تخیلات است که برچسب دروغ به آن زده می‌شود. البته می‌توان از تخیلات که همان تراوشات فکری کودکان است جهت پیشرفت و بهبود در امور استفاده کرد، زیرا تمام پیشرفت‌ها در آغاز ناشی از تراوشات مغزی و تخیلات بشر بوده است. بنابراین جمله « تخیلات شما را خریداریم » را گاهی در مورد کودکانمان بکار بگیریم. البته دروغگویی تا حدود ٦ سالگی طبیعی است و جای نگرانی نیست چون علت دروغگویی کودکان تا این حدود سنی، تخیل قوی است. او نمی‌تواند بین بیداری و

رؤیا و حقیقت و مجاز فرق بگـذارد. کـودک در ایـن سـن جانـدار پندار است و به اشیاء جان می‌دهد مثلاً وقتی بـا عروسـکش بـازی می‌کند به گونه‌ای با او حرف می‌زند که گویا زنده است.

※ انگیزه تشویش و اضطراب: انسانها دو نـوع « خـود » دارنـد: خود واقعی که همان خودی است که فرد دارد، اینکه او چـه کـسی است با چه گذشته‌ای، چه توانی، چه استعدادی و. .. و خود آرمانی یا ایده آل که آن خودی است که دوست داریم آنطـور باشـیم. لازم است در زندگی این دو نوع خود انسان نزدیک به هم باشد اما خود ایده‌آل مقداری جلوتر باشد تا باعث تلاش و حرکت به سمت ترقی و متعالی باشد. حال هر اندازه فاصله میان داشته (خـود واقعـی) و خواسته‌هایمان (خود آرمانی) طولانی‌تر و بیشتر باشد، بیـشتر رنـج می‌بریم و به شیوه‌هایی دست می‌زنیم که رنج مستمر مـا را کـاهش دهـد. در ایـن مـورد اگـر اولیـاء و مربیـان مدرسـه و یـا والـدین، توانایی‌های کودک را مد نظر قرار ندهند و از او انتظاراتی به مراتب بیش از توانایی‌هایش داشته باشند، تعادل کودک بر هم مـی‌ریـزد و برای رهایی از فشار سنگین کلمات سرزنش آمیز و خلاص شدن از تحقیرهای پس از شکست به دروغ متوسل می‌شود.

※ انگیزه تقلید و تأسی: کودکان از قدرت یادگیری فـوق العـاده برخوردارند، آنگونه که صرف نظر از درستی یا نادرستی عمـل، بـه محض مشاهده عمل از سوی مراجعین قدرت، بـدان گـرایش پیـدا می‌کننـد کودکـان هماننـد دوربـین‌هـای تـازه و قـوی هـستند کـه

صدابرداری و فیلم برداری بی‌عیب و نقصی دارند و آنچه را که در اطراف آنان اتفاق می‌افتد به خوبی ضبط نموده و در زندگی آینده خود آن را پخش می‌نمایند. بنابراین یکی از عوامل پرورش راستگویی در کودکان، محیط خانوداه است. جایی که پدران و مادران راستگو هستند و پیرامون دروغ و خلاف حقیقت نمی‌گردند، کودک طبعاً به راه درستی می‌رود و راستگو بار می‌آید. برعکس جایی که پدران و مادران خود دروغ می‌گویند و به این خوی ناپسند عادت دارند، قطعاً کودک نیز دروغگو می‌شود. در چنین خانواده‌ای ایجاد شرایط روانی برای جلوگیری از دروغگویی بی اثر است (مثلاً ایجاد ترس و تهدید و یا تنبیه و سرزنش). محیط زندگی مهمترین و بزرگترین عامل سازنده شخصیت کودک است و با هیچ یک از عوامل روانی قابل مقایسه نیست. کودک بدون توجه و اراده با محیطی که در آن زندگی می‌کند، منطبق می‌شود و آنچه می‌بیند و می‌شنود، در فکر او نقش می‌بندد. وقتی مرد یا زن بدون عنوان پدری یا مادری دروغ می‌گوید، مرتکب یک گناه کبیره شده و استحقاق کیفر دارد ولی وقتی آن مرد و زن پدر و مادر باشند و در محیط خانواده، در مقابل گوش‌های حساس و چشم‌های کنجکاو فرزندان خود دروغ بگویند، علاوه بر گناه دروغ، گناه دیگری مرتکب شده و آن گناه پرورش فردی دروغگوست که قطعاً به مراتب بزرگتر است. اگر در خانواده‌ای والدین یا دیگر کسانی که با کودک و نوجوان زندگی می‌کنند دروغ بگویند، ناخودآگاه و بطور

حتی در سنین بالاتر نیز قدرت تخیل کودک به حدی قوی است که گاهی موجب می‌شود آنچه را که تصور کرده است، حقیقت بپندارد، بنابراین در این مواقع، توصیه می‌گردد کودک را به بیان جزئیات اشیا و پدیده‌ها مجبور نکنیم و از او در حد رشد ذهنی‌اش انتظار ارائه پاسخ داشته باشیم، مهمتر از اینکه هرگز به تخیلات او نخندیم و او را مسخره نکنیم و بیهوده تلاش نکنیم مچش را بعنوان دروغگو بگیریم، بلکه با خونسردی با وی برخورد کرده و به او بفهمانیم چه چیزیهایی واقعیت و چه چیزهایی غیر واقعی‌اند. برخی از والدین اغلب نگران دروغ‌های کودک یا نوجوان خود هستند و ممکن است ندانند که باید چه روشی را در مقابل دروغهای او اتخاذ کنند. آیا آن را نادیده بگیرند؟ کودک را تنبیه کنند؟ می‌توانند به تنهایی آن را مدیریت کنند یا باید کمک متخصصین را بطلبند؟

برای اینکه فرزندان خود را راستگو تربیت کنیم ابتدا باید نسبت به اعمال خود نهایت دقت را داشته باشیم و نیز در ارتباط خود با دیگران دقت کنیم، زیرا در یک جامعه معمولاً تربیت‌های متفاوتی وجود دارد. تربیت کودک باید از همان دوره طفولیت او آغاز شود، صداقت و راستگویی از مواردی است که باید قبل از سنین مدرسه به آن توجه شود.

دروغ گفتن یکی از رفتارهای متداول کودکان ٤-٥ ساله است که از لحاظ اخلاقی اشکالی ندارد. کودکان در این سن و سال معمولاً به دو شکل دروغ می‌گویند که نخستین آن خیال پردازی است،

میزان و شدت و ضعف با یکدیگر متفاوت است.

دروغگویی از نظر لغوی به معنای کتمان واقعیت است. فرد دروغگو از طریق دروغ گفتن ضعف‌های خود را می‌پوشاند و شنونده را گمراه می‌سازد. خود را از تنبیه نجات می‌دهد و بدان

وسیله توجه دیگران را به خود جلب می‌کند. دروغ بیان مطلبی است که فرد به قصد فریب دادن دیگران با آنکه خوب و خودآگاهانه می‌داند که نادرست می‌باشد، اظهار می‌دارد. دروغگویی با افسانه سرایی تفاوت دارد. زیرا در افسانه سرایی فرد در هنگام داستان سرایی واقف و آگاه بر دروغگویی خود نمی‌باشد. دروغگویان تمایل به تکذیب حقیت یا دروغگویی موضوع دارند و به تدریج این مسئله جزو عادات آنها می‌گردد.

در بین کودکان خردسال که با جزئیات اشیاء و پدیده‌ها آشنایی کافی ندارند، دروغگویی بیشتر جنبه رویا و خیالبافی دارد و کمتر به منظور فریب دیگران انجام می‌شود، در حقیقت تا سنین سه تا چهار سالگی، دروغ به مفهومی که برای بزرگسالان مطرح است در کودکان وجود ندارد. بنابراین هر گاه در این سنین واقعیات بطور وارونه یا منحرف ارائه شود، هدف کودک امتیاز نیست. بعد از سنین چهار سالگی، تدریجاً بر اثر دخالت‌های عوامل محیطی، تربیتی نادرست دروغگویی در کودک شکل می‌گیرد. علت این است که در کودکان بین واقعیت‌ها و تخیلاتشان تفاوتی قائل نمی‌شوند، یعنی چیزی را که می‌بینند و چیزی را که تصور می‌کنند، یکی می‌پندارند

کودک با جعل داستان یا با طرح مبالغه‌آمیز بعضی از واقعیات، اغلب خواسته خود را با ما در میان می‌گذارد و غیر مستقیم از امیالش صحبت می‌کند. در این صورت بهتر است که پدر و مادر در تأیید خواسته کودک حرف بزنند.

دروغ نوع دوم، دروغ به اصطلاح مفید است، دروغی است که بزرگترها هم می‌گویند و آن را به حساب دروغ مصلحت‌آمیز می‌گذارند تا به جای نتیجه بد، نتیجه خوب بگیرند، در این مرحله از رشد کودک تنها کار درست را در خواسته خود می‌جوید و با استفاده از دروغ برای رسیدن به خواسته‌اش تردیدی به خود راه نمی‌دهد. در این موارد باید به کودک تفهیم کنیم که از راستگویی و صداقت او خوشحال می‌شویم باید بداند که دروغ‌و دروغگویی را دوست نداریم. باید توجه داشت که این مسئله در سنین بالاتررفتاری ناپسند است‌که به کودک شخصیت ساختگی و تصنعی می‌بخشد. هرگاه کودک شما در موقعیت نامطمئن و ناامن قرار گیرد و احساس خطر یا حقارت کند به گفتن دروغ متوسل می‌شود. کودک دروغگو به گفته‌هایش ایمان ندارد و به طور قاطع و صریح حرف نمی‌زند، به تدریج اعتماد خود را به دیگران از دست می‌دهد و نسبت به اطرافیان بدبین می‌شود. متأسفانه برخورد بسیاری از والدین در این موارد با تنفر همراه است زیرا از خود سؤال می‌کنند که چرا فرزندشان دست به چنین عملی زده است؟ در برخورد با چنین مواردی والدین نباید به چشم یک آدم دروغگو به کودک نگاه

کنند و یا دائماً به آنها ظنین باشند، زیرا چنین برخوردی عواقب ناگواری را به همراه خواهد داشت. برای پیشگیری و درمان دروغگویی، شناخت علل آن کاملاً ضروری است بعضی برای کوچک نشدن و بعضی‌ها برای بزرگ شدن به دروغ متوسل می‌شوند، بعضی به دروغ همرنگ جماعت می‌شوند و آنی رنگ عوض می‌کنند، بعضی با دروغگویی می‌خواهند بزرگها را کوچک کنند. بعضی کوچک‌ها با دروغگویی و فریب می‌خواهند در جای بزرگان بنشینند. دروغگویی ابزار دست ضعیف دستان است که بجای اینکه تلاش کنند با دروغ گفتن می‌خواهند راه صد ساله را یک شبه بروند. دروغگویی به عنوان یک مشکل علل گوناگون و متعددی دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

انواع دروغگویی:

روانشناسان دروغگویی را به ۸ دسته تقسیم می‌کنند:

۱. دروغ گویی انتقام جویانه: این نوع دروغگویی کودکان جهت آزار و انتقام از افرادی است که مورد خشم او قرار گرفته‌اند و یا به نحوی او را مورد تنبیه قرار داده‌اند که فرد خود مستحق آن نمی‌دانسته است. دروغگویی انتقام جویانه از نفرت کودک به شخص یا شیء ناشی می‌شود.

۲. دروغ محدود: که جهت فرار خود یا دوستان از تنبیه که در

نتیجه ترس از مقررات شدید و یا تنبیه بدنی ناشی می‌شود.

۳. دروغ خودخواهانه: این نوع جهت خودخواهی و رسیدن به یک نیاز بوده و دروغی است حساب شده بمنظور گول زدن دیگران برای بدست آوردن آنچه را که میخواهد.

٤. دروغ‌های خیالی یا داستان پردازی: در این نوع دروغ، کودکان سعی می‌کنند به خیالات خود صورت واقعی بدهند، آنان با این نوع می‌خواهند حوادث تخیلی و یا بازی را به دیگران بفهمانند.

۵. دروغ مبهم: این نوع از ناتوانی کودک در گزارش دقیق جزئیات و یا مغالطه کردن ناشی می‌شود که دراصل برمی‌گردد به توان حافظه، گنجایش و نحوه پردازش آن و نیز محدودیت حافظه در این موارد.

٦. دروغ پوچ: کودکان جهت جلب توجه کردن دیگران این دروغ را می‌گویند.

۷. دروغ عرفی یا وفادارانه: به منظور حفظ و مراقبت از دوست یا دوستان انجام می‌گیرد.

۸. دروغ عادتی: به دلیل الگوبرداری از والدین یا دیگران فرا گرفته می‌شود.

علل و انگیزه‌های دروغگویی

فردی که دروغ می‌گوید، ممکن است انگیزه یا انگیزه‌های متعددی داشته باشد که شناخت این عوامل در پیشگیری و درمان

آن، لازم و ضروری است. ممکن است فرد به یک دلیل و یا دلایل متعدد دروغ بگوید، در زیر به نمونه‌هایی از علل و عوامل و انگیزه‌های دروغگویی اشاره می‌شود.

※ انگیزه ابراز وجود: کودکان بطور فطری به توجه نیاز دارند و گاهی برای جلب توجه دیگران به خود، دروغ می‌گویند، کودکان در سنین پایین به چشم و گوش دیگران نیاز دارند که حرفهایشان شنیده شده و چشمی به صورتشان در زمان صحبت کردن خیره شود. اگر کودک نتواند از روش‌های طبیعی جلب توجه کند به روشهای غیر طبیعی از جمله گفتار گمراه کننده و اعجاب انگیز متوسل می‌شود تا از این رهگذر، توجه از دست رفته را جبران نماید.

※ انگیزه خیال پردازی: برخی از کودکان به دلیل نامساعد بودن اوضاع خانواده و تمایل شدید به دروغگویی، مرز خیال را از واقعیت باز نمی‌شناسند و در نتیجه این دو قلمرو را در هم می‌آمیزند و حاصل آن، بیان تخیلات است که برچسب دروغ به آن زده می‌شود. البته می‌توان از تخیلات که همان تراوشات فکری کودکان است جهت پیشرفت و بهبود در امور استفاده کرد، زیرا تمام پیشرفت‌ها در آغاز ناشی از تراوشات مغزی و تخیلات بشر بوده است. بنابراین جمله « تخیلات شما را خریداریم » را گاهی در مورد کودکانمان بکار بگیریم. البته دروغگویی تا حدود ٦ سالگی طبیعی است و جای نگرانی نیست چون علت دروغگویی کودکان تا این حدود سنی، تخیل قوی است. او نمی‌تواند بین بیداری و

رؤیا و حقیقت و مجاز فرق بگذارد. کودک در این سن جاندار پندار است و به اشیاء جان می‌دهد مثلاً وقتی با عروسکش بازی می‌کند به گونه‌ای با او حرف می‌زند که گویا زنده است.

※ انگیزه تشویش و اضطراب: انسانها دو نوع « خود » دارند: خود واقعی که همان خودی است که فرد دارد، اینکه او چه کسی است با چه گذشته‌ای، چه توانی، چه استعدادی و. .. و خود آرمانی یا ایده آل که آن خودی است که دوست داریم آنطور باشیم. لازم است در زندگی این دو نوع خود انسان نزدیک به هم باشد اما خود ایده‌آل مقداری جلوتر باشد تا باعث تلاش و حرکت به سمت ترقی و متعالی باشد. حال هر اندازه فاصله میان داشته (خود واقعی) و خواسته‌هایمان (خود آرمانی) طولانی‌تر و بیشتر باشد، بیشتر رنج می‌بریم و به شیوه‌هایی دست می‌زنیم که رنج مستمر ما را کاهش دهد. در این مورد اگر اولیاء و مربیان مدرسه و یا والدین، توانایی‌های کودک را مد نظر قرار ندهند و از او انتظاراتی به مراتب بیش از توانایی‌هایش داشته باشند، تعادل کودک بر هم می‌ریزد و برای رهایی از فشار سنگین کلمات سرزنش آمیز و خلاص شدن از تحقیرهای پس از شکست به دروغ متوسل می‌شود.

※ انگیزه تقلید و تأسی: کودکان از قدرت یادگیری فوق العاده برخوردارند، آنگونه که صرف نظر از درستی یا نادرستی عمل، به محض مشاهده عمل از سوی مراجعین قدرت، بدان گرایش پیدا می‌کنند کودکان همانند دوربین‌های تازه و قوی هستند که

صدابرداری و فیلم برداری بی‌عیب و نقصی دارند و آنچه را که در اطراف آنان اتفاق می‌افتد به خوبی ضبط نموده و در زندگی آینده خود آن را پخش می‌نمایند. بنابراین یکی از عوامل پرورش راستگویی در کودکان، محیط خانوداه است. جایی که پدران و مادران راستگو هستند و پیرامون دروغ و خلاف حقیقت نمی‌گردند، کودک طبعاً به راه درستی می‌رود و راستگو بار می‌آید. برعکس جایی که پدران و مادران خود دروغ می‌گویند و به این خوی ناپسند عادت دارند، قطعاً کودک نیز دروغگو می‌شود. در چنین خانواده‌ای ایجاد شرایط روانی برای جلوگیری از دروغگویی بی اثر است (مثلاً ایجاد ترس و تهدید و یا تنبیه و سرزنش). محیط زندگی مهمترین و بزرگترین عامل سازنده شخصیت کودک است و با هیچ یک از عوامل روانی قابل مقایسه نیست. کودک بدون توجه و اراده با محیطی که در آن زندگی می‌کند، منطبق می‌شود و آنچه می‌بیند و می‌شنود، در فکر او نقش می‌بندد. وقتی مرد یا زن بدون عنوان پدری یا مادری دروغ می‌گوید، مرتکب یک گناه کبیره شده و استحقاق کیفر دارد ولی وقتی آن مرد و زن پدر و مادر باشند و در محیط خانواده، در مقابل گوش‌های حساس و چشم‌های کنجکاو فرزندان خود دروغ بگویند، علاوه بر گناه دروغ، گناه دیگری مرتکب شده و آن گناه پرورش فردی دروغگوست که قطعاً به مراتب بزرگتر است. اگر در خانواده‌ای والدین یا دیگر کسانی که با کودک و نوجوان زندگی می‌کنند دروغ بگویند، ناخودآگاه و بطور

غیر مستقیم زمینه دروغگویی را برای آنان فراهم ساخته‌اند چون نزد کودکان اولیاء و نزدیکان شخصیت‌های فوق العاده و قابل اعتمـادی هستند که همیشه راست و درست می‌گویند. در واقـع اولـین درس دروغگویی را فرزندان از والدین و اطرافیان خواهندآموخـت، زیـرا خانواده اولین محیط تربیتی محسوب مـی‌شـود و گفتـار و رفتـار و بطور کلی طرز زندگی در تربیت و شکل دهی رفتار فرزنـدان مـؤثر است. وقتی کودکان دروغگویی را از والدین یاد گرفتنـد بـه مـرور زمان جزء شخصیت آنان شده و در بزرگسالی نیز رفتار دروغگویی در آنها ظاهر می‌شود. حضرت علی (ع) می‌فرمایـد: قلـب کـودک همانند زمین بکر و آماده‌ای است کـه هـر چـه در آن کاشـته شـود پرورش می‌یابد. و دروغ بذری است که توسـط اطرافیـان در زمـین حاصلخیز کاشته می‌شود و با آبیاری و پرورش مناسب رشد می‌کند تا حدی که گاهی بصورت یـک درخـت تنومنـد در مـی‌آیـد و در بزرگسالی نیز مشاهده می‌شود. پس بطور واضح دروغگویی اعضای خانواده یا نزدیکان کودک را دروغگو می‌کند. صدای درِ منزل بلنـد می‌شود پدر با قراینی می‌فهمد طلبکار است، به فرزندش می‌گویـد: بگو پدرم خانه نیست. پدر بطور غیر مستقیم دروغگویی را به فرزند خود منتقل می‌کند یا کودک مرتکب خلافی شده است. پدر یا مـادر می‌گوید: آقا کلاغه خبر آورده که چنین کاری کرده‌ای، او به تدریج می‌فهمد که این مسئله دروغ است و خود نیز دروغ می‌گوید. افزون بر این اعتمادش نیز از والدین سلب خواهد شد.

※ انگیزه تعارض: تعارض موقعیت یا حالتی است که فرد در دوراهی گیر کرده که یا هر دو راه خواستنی و یا هر دو راه نخواستنی هستند اما باید یکی را انتخاب کند. برخی والدین فرزندانشان را در موقعیت‌های کاملاً متعارضی قرار می‌دهند که تصمیم گیری برای کودک به غایت دشوار می‌شود. مثلاً در مواقعی که هر یک از والدین از کودک می‌خواهند که فقط مطابق میل و خواست او عمل کند، در حالیکه خواست هر یک، مخالف خواست دیگری است. کودک ناگزیر به ایفای نقشی دو جانبه و مزورانه می‌شود تا محبت هیچ یک را از دست ندهد و مقبولیتی نزد هر دو داشته باشد. همانند زمانیکه از کودک خواسته می‌شود که بگوید، پدرش را بیشتر دوست دارد یا مادرش، که اگر بگوید پدرش، مادر را از دست رفته می‌داند و اگر مادرش را انتخاب کند، پدر را از دست می‌دهد. در بسیاری از مواقع وقتی کودک می‌گوید که هر دو را دوست دارد باز با فشار و اصرار مواجه می‌شود که یکی را انتخاب کند و کدامیک را یک کمی بیشتر از دیگری دوست دارد، یا گاهی پیش می‌آید که پدر و مادر از دو شهر یا دو منطقه متفاوت هستند وآشنایان و حتی بعضی مواقع مهمانان برای تفریح و سرگرمی خود فرزندان این خانواده را فراخوانده و می‌پرسند کجایی هستی؟ و به اصطلاح خودشان می‌خواهند عیار و توان زوجین را بسنجند که کدامیک در منزل حاکم هستند. همچنین گاهی مشاهده می‌شود از بچه‌ها پرسیده می‌شود که دایی را دوست دارد یا عمو و

یا پدربزرگ و مادر بزرگ مادری را دوست دارد یا پدربزرگ و مادربزرگ پدری را که این سؤالات در اصل برای سرگرمی خودشان و بدست آوردن میزان قدرت پدر و مادر خانواده، غافل از اینکه با چنین سؤالاتی به کودکان چه ضربه‌ای وارد می‌نماید. این افراد باید آگاه باشند که اولاً کودکان اسباب بازی نیستند که از آنان برای سرگرمی استفاده کرد و از سوی دیگر چنین موقعیت‌های متعارض، دردناکترین شرایط را برای کودک فراهم می‌نماید و او را به اتخاذ روشی فریبکارانه سوق می‌دهد.

※ گاهی اوقات به این دلیل دروغ می‌گویند که اجازه ندارند حقیقت را بر زبان آورند. مثلاً وقتی کودک به مادرش می‌گوید که از برادر تازه تولد یافته‌اش متنفر است، شاید مادر او را به خاطر این حقیقت گویی تنبیه کند. اگر کودک در همان لحظه دروغ اظهار کند حالا برادرش را دوست دارد، ممکن است پاداش بگیرد و مورد توجه قرار گیرد. در چنین وضعیتی وی نتیجه خواهد گرفت که آدمی را بخاطر حقیقت گویی کتک می‌زنند و بخاطر دروغگویی پاداش می‌دهند. برای پرورش حس راستگویی در کودک، باید به احساسات کودک گوش داد هر چند که تلخ باشند، بنابراین نباید او را تشویق و تحریک کرد که درباره احساساتش دروغ بگوید. در حقیقت کودک از واکنش‌های مادر برابر احساسات بیان شده‌اش، یاد می‌گیرد که آیا صداقت و راستگویی بهترین حقیقت است یا نه؟ بنابراین والدین باید همان اندازه که منتظر شنیدن اخبار و حالات

خوب فرزندان هستند منتظر شنیدن واقعیات تلخ را داشته و آمادگی انجام رفتار درست با آنرا داشته باشند.

※ آموزش نادرست خانواده و اجتماع: کودک تا حد بسیاری در رفتارهای خود از والدین و افراد خانواده تقلید می‌کند. در خانواده‌ای که پدر، مادر و دیگر اعضای آن همواره به یکدیگر دروغ می‌گویند، نمی‌توان انتظار داشت کودکی راستگو تربیت شود. در جامعه نیز معمولاً افراد راستگو را آدم صاف و ساده که مترادف با شخص خل و احمق است می‌نامند و گاه برای اینکه شخص صادقی را معرفی کنند، میگویند آدم بدبختی است، اما در مقابل افراد چند رنگ و مزور را آدم‌های زرنگ، جسور، بادل و جرأت و زیرک می‌خوانند. مسلماً دروغگویی ارثی نبوده و اکتسابی است که از پدر و مادر، خواهر و برادر و یا از سایر افراد بزرگ اطراف آموخته می‌شود. وقتی به فرزندانتان می‌گوئید امروز که به بازار رفتم، فلان چیز را (که او دوست دارد و خواهان آنست) برایت می‌خرم، اما حتی در ذهن خود هم آنرا نگه نمی‌دارید و بطور کلی فراموش می‌کنید دروغ را به او یاد می‌دهید، چون او آنرا فراموش نکرده و بی صبرانه منتظر بازگشت شماست. چون موقعی که این حرف را به بچه می‌گفتید و به او قول می‌دادید، فقط برای از سر خود کردن بود نه به قصد انجام آن، در نتیجه وقتی که به خانه برگشتید و بچه جلو دوید و با اشتیاقی تمام آنچه را که گفته بودید از شما خواست با هزاران راست و دروغ باز هم سعی می‌کنید سرِ

او شیره بمالید. در این حال عملاً به برادر یا خواهرش که همراه شما بیرون از منزل بوده (یا شاهد قول و قرار شما بوده است) می‌آموزید که چطور می‌توان مردم را دست به سر کرد و چطور می‌توان با دروغ‌های شاخدار قول و وعده‌ها را به باد داد. از طرف دیگر قسم خوردن برایمان به آسانی و سرعت نفس کشیدن است. از خدا و پیامبران و اولیاء، دست بریده و دندان شکسته و فرق شکافته تا نان و نمک، زلف و ریش و سبیل طرف و. .. هر چه به نظر می‌رسد، استفاده می‌کنیم و برآنها قسم می‌خوریم تا شاید بتوانیم آن همه دروغی را که گفته‌ایم، راست جلوه دهیم. علاوه بر اینها گول زدن به عنوان یک راه تربیتی و برای آرام نگه داشتن کودکان بکار می‌رود. بچه را از همان دوران شیر خوارگی که پستانک دروغین به دهانش می‌گذارند، گول می‌زنند، از همان موقع که می‌گوئید: باباش بیا، دیگر بچه‌ام گریه نمی‌کند، در حالیکه اصلاً بابا در آن حوالی نیست، گولش می‌زنند. همان وقتی که بچه زمین می‌خورد و بزرگترها زمین را کتک می‌زنند و به آن بدگویی می‌کنند که: ای فلان فلان شده بچه‌ام را زدی! یا اینکه رو به بچه کرده و می‌گوئید: « بلند شو، آخ نمک‌ها را ریختی» و بدین ترتیب بچه زمین خورده، مقصر هم می‌شود که نمک را ریخته است، گولش می‌زنند. وقتی برای آرام کردن گریه‌اش به او می‌گویند: « لولو میاد » و یا وقتی برای دست نزدنش به چیز ممنوعه‌ای می‌گویند:« نکن که کلاغ برای بابات خبر می‌برد » گولش می‌زنند. بعد که بزرگتر

می‌شود فقط نوع گول فرق می‌کند و الا همه جا موجود است. یک طفل معصوم باید مرتباً گول بخورد تا زمانی که خود یاد بگیرد چطور دیگران را گول بزند و یا گول دیگران را نخورد، که طبعاً در چنین جامعه و یا خانواده‌ای گول زدن و گول نخوردن در همه جا، در خانه و مدرسه، کوچه و بازار و خیابان و ادارات و.. مانند یک مسابقه دائمی رایج است و هر کس برایش در تلاش است و جنبه تفریح و سرگرمی پیدا کرده است. همانطور که واضح است، گول زدن متکی و متبنی بر دروغ است. معمولاً دروغ مانند هر چیز بدی قبحی دارد که اگر عادی شد قباحتی برایش نیست و حتی ممکن است جزء محاسن هم بحساب آید و به همین دلیل از آن به عنوان یکی از آسیب‌های اجتماعی نام برده می‌شود که باعث بی‌نظمی‌های اجتماعی نیز خواهد شد و به همین خاطر بوده است که از قول داریوش بر کتیبه‌ای که گویا در تخت جمشید بوده چنین نوشته است: خدا این کشور را از دشمن، خشکسالی و از دروغ نگاه دارد، که این گفته بیانگر درجه اهمیت دروغ و دروغگویی و تأثیر آن در نظم عمومی و اجتماعی و خانوادگی است.

※ تحمیل تکالیف سنگین به کودکان و داشتن توقع بیش از طاقت آنها: وقتی از کودک توقع انجام کاری یا رفتاری را داشته باشید که فراتر از حد توانایی و ظرفیت جسمی و روحیش است، در حقیقت او را به سوی دروغگویی سوق داده‌اید، زیرا کودک وقتی از انجام وظیفه فوق طاقتی که بر عهده‌اش گذاشته‌اید،

برنمی‌آید، برای حفظ شخصیت خود یا جلب محبت شما به ناچار به دروغ پناه می‌برد و کم‌کم به آن عادت می‌کند. به همین خاطر است که رسول اکرم (ص) فرموده است: آنچه را کودک در قدرت داشته و انجام داده قبول کرده و آنچه که برایش سنگین است، از وی طلب نکنید تا فرزند دروغگو بار نیاید. همچنین این گفته که هر کسی را بهر کاری ساخته‌اند، نیز اشاره به سطح توانایی فکری و جسمی افراد وتوجه به آن در واگذاری مسئولیت‌ها و اندازه سطح انتظارات است. بعلاوه ابیات زیر نیز بیانگر توجه به قدرت و طاقت افراد در امور است:

چار پا را قدر طاقت بار نه
بر ضعیفان قدر قدرت کار نه
دانه هر مرغ اندازه وی است
طعمه هر مرغ انجیری کی است
طفل را گر نان دهی بر جای شیر
طفل مسکین را از آن نان مرده گیر
چون که دندانها بر آرد بعد از آن
هم به خود طالب شود آن طفل آن
مرغ پر نارسته چون پران شود
لقمه هر گربه دران شود
چون بر آرد پر بپرد او به خود
بی‌تکلیف، بی صفیر نیک و بد

※ احساس حقارت و ضعف شخصیت: کودکی که مورد اهانت واقع شده و تحقیر گردیده است، برای اینکه حس حقارت خود را برطرف سازد و دیگران را متوجه خود نماید، شاید به دروغگویی متوسل شود. شکل دیگر این تحقیر را می‌توان در روابط کودکان با همسالانشان یافت. کودکانی که نسبت به دوستان یا همسالان خود احساس کمبود می‌کنند و خود را زبون و هیچ می‌یابند، گاه برای جبران کمبودهایشان (نظیر شغل والدین، وضعیت مسکن، خوراک و پوشاک) به دروغگویی متوسل می‌گردند تا احساس حقارت خود را بطور موقت آرامش بخشند. افرادی که در جهات مختلف توانایی لازم را نداشته و خود را حقیر می‌بینند، تلاش می‌کنند به هر نحوی که ممکن است توجه دیگران را به خود جلب و ناتوانی خود را به این طریق جبران نمایند. از این رو به رفتارهای مختلفی از جمله دروغگویی دست می‌زنند و اغلب درباره خود، دیگران، حوادث و رویدادها دروغهای باور نکردنی می‌گویند.

※ عمل نکردن پدر و مادر به قول و وعده‌هایشان: این عمل در صورتیکه تکرار شود الگوی بدی برای کودک بوده و علاوه بر آنکه به کودک یاد می‌دهد دروغ بگوید، اعتماد و اطمینان والد/ فرزندی را از بین می‌برد. بنابراین نه به کودکان باید وعده داد و نه وعده گرفت زیرا پدر و مادر برای تأئید گفته خود مجبورند وعده بدهند. یعنی دارند اقرار می‌کنند که گفته‌های وعده داده نشده اعتبار نداشته و قابل اعتماد نیستند. در احادیث پیامبر اسلام (ص) هم یکی از

نشانه‌های افراد منافق خلف وعده و عمل نکردن به قول و قرار است. وعده‌ها باعث می‌شود که توقعات غیر واقعی در کودکان بوجود بیاید. از سوی دیگر نباید از کودکان وعده گرفت که در آینده رفتار خوب داشته باشند یا رفتار بدشان را اصلاح کنند. وقتی کودک وعده‌ای ناخواسته می‌دهد، وعده‌ای که متعلق به خود او نیست، در واقع چک بانکی می‌کشد که در آن بانک اصلاً حساب ندارد، در حقیقت نباید با این عمل، محرکی برای اعمال فریب آمیز کودک باشیم. بعلاوه والدین وقتی وعده‌ای می‌دهند و به آن عمل نمی‌کنند هم مثل چک بانکی است که می‌کشد که حسابش خالی است که دیر یا زود آن چک برگشت می‌خورد، وعده‌ها هم همین طور زمان موعودش فرا می‌رسد و کودک آنرا از والدین می‌خواهد، آنموقع است که با عدم عمل به آن هم والدین دروغ گفته و هم کودک می‌فهمد که دروغ گفته‌اند و خود نیز بعداً به آن عامل خواهد شد.

※ ترس از مجازات: اگر کودک بداند که اقرار به کاری که صورت گرفته، مجازات سختی به دنبال خواهد داشت، وادار می‌گردد دروغ بگوید در حقیقت کودک برای حفظ خود چاره‌ای جز انکار واقعیت ندارد. به گفته اندیشمندان هر قدر مجازات منظور شده برای عمل سخت‌تر باشد، ترس ناشی از آن زیادتر و انکار دروغ نیز شدیدتر خواهد بود. مثلاً موقعی که به کودک بگویند: شیشه اتاق را تو شکسته‌ای اگر کودک بداند که اعتراف او مجازات سختی را به دنبال خواهد داشت غریزه حفظ خود او را وا می‌دارد

که به دروغ بگوید: من نشکسته‌ام. کودک چون خود را در مقابل تنبیه طاقت فرسای والدین ناتوان می‌بیند برای حفظ خود چاره‌ای ندارد جز آنکه به دروغ پناه ببرد و گناه خود را انکار کند. بدیهی است هر قدر ترس از مجازات بیشتر باشد، اصرار کودک در دروغ بیشتر خواهد بود. افراد بزرگسال نیز از ترس اینکه اگر همیشه راست بگویند ممکن است موقعیت اجتماعیشان را از دست بدهند، لذا برای حفظ آن به دروغ متوسل می‌شوند. مچ گیری و بازجویی‌های والدین و مربیان آگاه باعث می‌شود که فرزندان و دانش آموزان واقعیت‌ها را کتمان نموده و به تحریف واقعیت‌ها روی آورند. تحقیقی که روی کودکان ٦ تا ١٤ ساله انجام شده نیز این مطلب را تأئید می‌کند. این پژوهش نشان می‌دهد که ۷۱ درصد علت دروغگویی افراد را ترس تشکیل می‌دهد.

※ عوامل روانی- اجتماعی: طبق تحقیقات عوامل محیطی نقش زیادی دارند. در خانواده‌هایی که دارای اختلافات درون خانوادگی می‌باشند، معمولاً کودکان دست به دروغگویی بیشتر می‌زنند، کمبود محبت و احساس محرومیت در جامعه و جلب توجه و ترحم اطرافیان نیز عامل محیطی مهمی است. در محیط‌هایی که دروغگویی وسیله‌ای برای بدست آوردن امتیاز است، کودک با تقلید از اطرافیان خود به این عمل مبادرت می‌ورزد. افراد ناآرام، بی‌قید، ترسو یا ابله، تمایل بیشتری به منفی بافی و دروغگویی نشان می‌دهند. برعکس افراد فعال، پرشور و موفق اجتماعی کمتر به

دروغگویی متوسل می‌گردند.

کودکی که در خانواده عملاً مورد تحقیر و بی‌اعتنایی بوده و روزگار خود را با محرومیت گذرانده است، بزرگترین لذتش خود نمایی و جلب توجه دیگران است. او با راستگویی و بیان حقایق واقعی هرگز قادر نیست افکار دیگران را متوجه خود کرده و اعضای خانواده را به خویش جلب کند، ناچار دروغ می‌گوید و گاهی دروغ‌های بزرگ و وحشت‌زا و هیجان‌آور می گوید، دروغی که تا چند دقیقه همه را متوجه او کرده و خانواده را به جوش و خروش وا می‌دارد. مثلاً با وحشت و اضطراب ساختگی می‌دود و فریاد می‌زند: خانه آتش گرفت یا خواهرم زیر ماشین رفت. مسلماً روش نادرست والدین و مربیان، کودک را به دروغگویی وا می‌دارد، بنابراین کسانیکه می‌خواهند فرزندان خود را به نیکی پرورش دهند و آنان را راستگو تربیت کنند، باید از اول به طرزی صحیح و عاقلانه به شخصیت آنان احترام بگذارند و از تحقیر و اهانت آنها که منشأ انحراف و طغیان است، بپرهیزند.

※ خشونت با کودکان: خشونت بخصوص کتک زدن آنها باعث می‌شود که بچه‌ها از پدر و مادر خود بترسند و از ترس به آنها دروغ بگویند. بزرگترین علت دروغگویی بچه‌ها همین ترس از بدرفتاری و خشونت بزرگترهاست.

※ توقع بیش از حد داشتن: عدم توجه به تفاوت‌های فردی در بین بچه‌ها عدم توجه به حد سنی و توانایی آنان در انتظاراتمان از

آنها نیز باعث دروغ گفتن آنها می‌شود، چون نمی‌توانند انتظار ما را برآورده سازند باعث دروغگویی آنها می‌شود. توقع بیش از حد والدین و معلم، کودک را به دروغ وا می‌دارد. والدین یا معلم به کودک می‌گویند چرا در درس ریاضی نمره ۱۷ گرفتی؟ توقع ما از تو نمره ۲۰ بود. کودک به دروغ می‌گوید وقت کم آوردم و... و در آینده ممکن است حتی ورقه خود را دستکاری و یا به تقلب در جلسه امتحان اقدام نموده، و یا حتی نمره ورقه خود را دستکاری و اصلاح کند.

※ ملامت و سرزنش زیاد و مقایسه دایم با کودکان دیگر: یکی از آفات ویرانگر تعلیم و تربیت مقایسه است. هیچ دو فردی هیچ وقت مثل هم نیستند. در قرآن هم اشاره شده است که انسان‌ها جور جور آفریده شده‌اند و زیبایی و تنوع خلقت هم به همین تنوع است. سرزنش و مقایسه بچه با کودکان دیگر سبب می‌شود که از یک طرف او خود را کمتر از دیگران بداند و احساس تقصیر، گناه و حقارت کند و برای سرپوش گذاشتن روی این احساس‌ها به دروغ خود را بهتر از آنچه که هست نشان دهد. از سوی دیگر مقایسه باعث می‌شود که کودک، از فردی که با وی مقایسه شده متنفر و یا نسبت به وی حسود شده و کینه او را به دل بگیرد و به همین دلیل همواره مترصد ضربه زدن به او باشد که به نوبه خود این حسادت و کینه توزی انسان را از رشد در مسیر تعالی باز می‌دارد.

※ مخالفت با کودک و امر و نهی زیاد به او جلوگیری مداوم از کارهایی که می‌خواهد انجام دهد، باعث لجبازی او می‌شود و لجبازی، دروغگویی کودک را به دنبال دارد.

※ خیال پردازی: خیال پردازی زیاد کودکان بخصوص در سنین پایین سبب می‌شود که بچه‌ها دروغ‌های عجیب و غریب بگویند. چون کودکان این دوره هنوز تفاوت بین واقعیت و خیال را بخوبی درک نمی‌کنند و گاهی آرزوها، نگرانی‌ها و خیال پردازی‌های خود را بصورت پیشامدهای واقعی تعریف می‌کنند.

※ انتقام‌جویی: کودک گاهی دروغ می‌گوید تا از دیگری انتقام بگیرد. مثلاً: سامان و ساسان دو برادرند. سامان در هنگام بازی اسباب بازی ساسان را تصاحب کرده و او را کتک می‌زند و چون ساسان توان مقابله با او را ندارد او را نزد پدر به دروغ خطا کار معرفی کرده و کارهای خلاف گذشته را که خود کرده را همه به سامان نسبت می‌دهد تا پدر او را توبیخ یا تنبیه کند و به این صورت انتقام بگیرد.

※ نحوه برخورد و بیان والدین و مربیان: گاهی نحوه بیان و برخورد والدین و مربیان با کودک او را به دروغ گفتن وا می‌دارد و به او دروغگویی را می‌آموزند. به عنوان مثال والدین به کودکی که مرتکب عمل خلافی شده اصرار می‌ورزند که او این کار را انجام نداده است بلکه دیگری مثلاً همسایه یا دوست یا برخی موجودات خیالی سبب آن بوده‌اند. در این حالت والدین علاوه بر آنکه کودک

را دروغگو بار می‌آورند او را به گریز از قبول مسئولیت رفتارش نیز وا می‌دارند.

※ فشار برای گفتن جزئیات: فشار والدین و مربیان برای گفتن جزئیات دقیق یک امر، غالباً کودک را تشویق به دروغگویی می‌کند. گاهی در زمان وقوع رویدادی و یا بیان موضوعی چون کودکان نمی‌دانند کدام قسمت آن مهم است چندان به آن توجهی نکرده و از سوی دیگر بخاطر محدودیت توجه همزمان کودکان به کلیه جوانب و نیز محدودیت ظرفیت حافظه امکان یادآوری کلیه جوانب به دقت وجود ندارد و وادار کردن کودکان به بیان این جزئیات باعث افزودن مطالب و مواردی به آن از سوی کودک شده و به این ترتیب به دروغگویی عادت می‌کند.

※ عادت: گاهی دروغگویی به خاطر عادت است، خصوصاً اگر به کودکی لقب و برچسب « دروغگو» داده شود. چون در این صورت او این نقش را بصورت ناخودآگاه به خود می‌گیرد.

راههای پیشگیری از دروغگویی

از قدیم گفته‌اند که پیشگیری مقدم بر درمان است. این مطلب هم در بیماریهای جسمانی و هم در بیماریهای روانی و اختلالات رفتاری و عادتی صادق است، چون علاوه بر دلایل متعدد و مهم دیگر، پیشگیری از لحاظ اقتصادی به صرفه‌تر از درمان است و به همین دلیل به راحتی قابل اجراست. از سوی دیگر از آلودگی‌های

اولیه جلوگیری می‌کند، چون در ابتلاء و درمان، احتمال عود آن وجود دارد، در مورد دروغگویی نیز چنین وضعیتی وجود دارد. دروغگویی در نهایت هم برای کودک و هم برای جامعه (چنانچه بصورت مستمر بروز کند) زیانهای فراوانی در بردارد. اگر خوب به حرفهای کودکان گوش بسپاریم، آنچه را که دروغگو سعی در پنهان کردنش را دارد، آشکار می‌شود، واکنش کامل و پخته نسبت به یک دروغ بیشتر باید درک مفهوم آن دروغ را منعکس سازد نه انکار مفهوم آن یا محکومیت فرد دروغگو را. در حقیقت، از طریق اطلاعاتی که از دروغ‌ها کسب می‌کنیم، می‌توانیم به کودکان کمک کنیم تا واقعیت‌ها را از افکار پوچ و خیالی تشخیص دهد.

موارد زیر راهکارهایی بمنظور پیشگیری از دروغگویی هستند:

※ والدین نباید سؤالاتی از کودکان بپرسند که کودک به منظور دفاع از خود پاسخ دروغ به آنها بدهد. کودکان از اینکه پدر و مادر از آنها سؤال و پرس و جو کنند، متنفرند، بخصوص هنگامیکه گمان می‌کنند والدینشان از قبل پاسخ‌ها را می‌دانند.

※ دروغ‌های مؤدبانه نگویید: سبب دروغگویی کودکان غالباً این است که در محیط خود از پدر یا مادر و معاشران دیگر، سخنان نادرست می‌شنوند. مثلاً شما در حضور کودک از خانم یا آقایی تمجید و ستایش می‌کنید، ولی به محض اینکه آن شخص دور شد، پشت سر او با همسرتان در مورد وی بدگویی می‌کنید. اگر واقعاً از صفت بخصوصی از آن شخص خوشتان نیامده بود لزومی نداشت

که چیزی بگویید. اگر هم واقعاً نکته مثبت را در او دیده بودید، چرا به همسرتان آنطور می‌گویید؟ بچه‌ها این ضد و نقیض صحبت کردن شما را می‌شنوند و شما را دروغگو حساب می‌کنند. مثال دیگر، مثلاً در هفته گذشته بی اندازه مشغول بودید وبه کودک یا همسر خودت گفتید: امیدوارم هیچکس حتی نزدیکترین دوست و یا فامیل به دیدنم نیاید، هنوز سخن در دهانتان بود که دوستتان همراه سه فرزندش به منزل شما آمدند و چون چشمتان به آنها افتاد با زبان هر چه فصیح‌تر شروع به تعارف کرده، گفتید: بسیار خوشحالم که تشریف آوردید، قدم روی چشم، همین الان ذکر خیر شما بود، بفرمائید. در هر صورت بچه شما درک می‌کند که حرف‌هایتان از روی صداقت نیست یا مثلاً زمانیکه تلفن به صدا در می‌آید و به فرزندتان می‌گوئید که اگر مرا خواستند، بگو در منزل نیستم که گاهی از بدشانسی شما، بچه شما عین کلام شما در گوشی تکرار می‌کند و می‌گوید بابام میگه بگو منزل نیستم. پس هشیار باشید که چه نمونه و سرمشقی می‌گذارید چونکه مثال و نمونه عملی برای کودکانتان هستید. در واقع کودکان تصویر و کپی والدین هستند اما تصویر اعمال و رفتار نه گفتارشان بنابراین اگر به بچه‌ها بگوئیم که دروغ نگویند اما در عمل مبادرت به دروغ کنیم حرف ما تأثیر نخواهد کرد.

※ سوالات دام نپرسید: کودکان از سؤالاتی که نقش دام دارند، بیزارند. سؤالاتی که وادارشان می‌کند که ناشیانه دروغ بگویند یا

حقیقت را بر زبان بیاورند و خجالت بکشند. سؤالات دام سؤالاتی است که جواب آن را نیز می‌دانید. مثلاً مقداری شیرینی در یخچال بوده و کودک بدون اجازه مقداری از آن را برداشته و خورده است و ذره‌ای روی دهانش مانده بطوریکه شما مطمئن هستید او شیرینی‌ها را برداشته و خورده است و با این سؤال او را به دروغ گویی وادار می‌کنید که چه کسی شیرینی را خورده است؟ این اصل در اصل ایجاد فرصت و فرصت سازی برای دروغگویی کودکان است.

※ در خلوت و در وضعیت کاملاً آرام و صمیمی باید مضرات دروغگویی برای کودک تشریح گردد و به کودک اجازه داد آزادانه احساساتش را بیرون بریزد و در چنین فضای روانی آزاد باید به کودک آموخت با احساساتش برخورد واقع بینانه نمود و از آنها شرم ننماید و آنرا با احساسات خوشایند جایگزین سازد.

※ در تربیت فرزندان خود ملایمت و مهربانی را اساس قرار دهید، اگر والدین، فرزندان خود را با اصول مهر و مودت پرورش دهند، اگر خانواده کانون عطوفت و رأفت باشد، اگر والدین انصاف داشته باشند و به وظایف خود در مورد فرزندان خود توجه کنند، بچه‌ها در برابر تخلفات خود دروغ نمی‌گویند و نیاز ندارند از راههای غیر معمول و غیر طبیعی توجه والدین را جلب نمایند.

※ پدر و مدر و مربیان در کارها، قدرت و نیرو و عادت کودکان را در نظر بگیرند و چیزی که فوق طاقت و توان آنهاست، بر آنها تحمیل نکنند، چون کودک از رنجش مربی و اینکه مربی او را تنبل

و نالایق بشناسد، واهمه دارد. لذا وقتی از انجام کار فوق طاقت خود عاجز ماند، ناچار برای حفظ شخصیت به دروغ پناه می‌برد و در اثر تکرار، دروغگو می‌شود.

※ هرگز به کودک قول یا وعده‌ای ندهید که قادر به انجام آن نیستید، زیرا کودک توجیهات شما را درک نکرده و شما را به دروغگویی متهم خواهد کرد. اگر مجبورید وعده بدهید، دقت کنید اولاً به اندازه و ارزش آن کار باشد که او انجام می‌دهد دوم اینکه حتماً به آن عمل کنید.

※ کودکان خود را هرگز با هم مقایسه نکنید، زیر هم حس حسادت را در او رشد داده‌اید و هم او را تحقیر نموده‌اید. باید کودکان را با وضعیت قبلی و فعلی خودشان مقایسه نمود و پیشرفت آنها را در مورد توجه قرار داد. در غیر اینصورت کودک برای ارضای حس خود نمایی خود و نشان دادن عرضه خویش به دروغ گفتن متوسل خواهد شد.

※ ازطرح پرسش‌هایی که کودک به احتمال قوی به آنها پاسخ نادرست خواهد داد خودداری کنید.

※ اگر کودک پی ببرد که والدین و مربیان او را برای دروغگویی تشویق و برای راستگویی تنبیه نمی‌کنند به تظاهر در رفتار و جعل واقعیت نخواهد پرداخت.

※ نشان دادن ارزش راست گفتن: در وهله اول کودک باید دریابد که دروغگویی کار نادرست و ناپسند و راستگویی عملی

باارزش و پسندیده است. کودک باید ارزش راست گفتن را در عمل تجربه کند. والدین و مربیان نباید در برابر دروغهای کودکان برآشفته شوند و او را کتک بزنند. بیان نتایج زشت و تلخ دروغگویی به صورت داستان برای آنها می‌تواند در آموزش عواقب تلخ دروغگویی مفید واقع شود. همچنین اگر والدین و مربیان‌کودک را در خلوت (نه در جمع) در جوی محبت آمیز و پر عطوفت با مضرات و نتایج دروغگویی آشنا سازند وبه پند دادن او بپردازند، در جلوگیری و نیز درمان دروغگویی می‌تواند مؤثر باشد.

※ اجازه بیان احساسات: کودک باید احساسات خود را آزادانه ابراز کند و در صورتی که بیان احساسات، باعث آزار و اذیت اطرافیان شود باید به کودک آموخت که به تدریج این احساسات را جایگزین احساسات خوشایند سازند و نباید برای احساساتش تنبیه شود. برای نمونه اگر کودکی از برادر کوچکش خوشش نمی‌آید، باید به او اجازه داده شود که احساساتش را بیان کند، پس از شنیدن نظر کودک، والدین باید ضمن تحلیل رفتار خود با کودک و یافتن علل پیدایش چنان احساسی به راهنمایی کودک و تغییر رفتار و احساسات او مبادرت ورزند. در مواردی که کودک مرتکب کار خطایی شده ولی راست می‌گوید، باید به ملایمت و بطور صحیح به او تذکر داده شود که رفتارش درست و پسندیده نیست و باید آن را تغییر دهد. هشدار به کودک، همدردی با او در مواردی که لازم است، نادیده گرفتن حرفهای کودک و بی‌توجهی به آنها از

روشهایی است که در مواقع مشخص می‌تواند برای پیشگیری و درمان دروغگویی کودکان استفاده شود. بنابراین لازم است به کودک اجازه داده شود حالات و احساسات منفی و مثبت خود را آزادانه بیان کند و بدون ترس و واهمه بگوید از چه کسی یا چه چیزی خوشش می‌آید یا متنفر است.

※ تعدیل انتظارات از کودکان: والدین و مربیان باید از هر کودک انتظاراتی داشته باشند که با واقعیات و امکانات او منطبق است و در غیر این صورت، دروغگویی کودک تقویت و تشدید خواهد شد. چون کودک توان عملی ساختن خواسته‌های اطرافیان را ندارد به گفتن دروغ متوسل می‌شود، بنابراین باید از کودک انتظارات در حد توانش داشته باشیم.

※ به فرزندتان کمک کنید تا خودش را دوست داشته باشد. کودک را مطمئن کنید که او را همانطور که هست دوست دارید و به او اطمینان دارید و دروغگویی این اطمینان را خدشه دار می‌کند. باید به او اعتماد کنید تا احساس و تصویر خوبی از خود داشته باشد. در نتیجه فرزند شما اعتماد به نفس را در خود تقویت می‌کند، قبول خواهد کرد که خود را همانگونه که هست دوست داشته باشد و سعی نکنید یک شخص ایده‌آل و غیر واقعی از خود بسازید.

※ به فرزندتان کمک کنید تا واقعیت را از تصور جدا کند: توجه داشته باشید که ما بین دروغگویی و رؤیا دیدن (تصور) تفاوت است. گاهی کودک آنقدر در خواب و خیال است که مرز

بین دنیای حقیقی و رؤیایی را نمی تواند تشخیص دهد و به این دلیل صحبت‌هایی می‌کند یا داستانهایی سر هم می کند. گاهی دروغ می‌گوید تا آنچه را واقعیت ندارد، در خیال بدست آورد می توان به کودک کمک کرد تا واقعیت‌ها را از افکار خیالی جدا کند.

※ به فرزندتان کمک کنید تا احساس بهتری از خود داشته باشد: طبیعت کودک ساده و پاک است این خانواده و محیط است که او را وادار به دروغگویی می کند. آنها خود نیز دوست ندارند دروغ بگویند و اگر شرایط طوری فراهم شود که شخصیت اصلی خود را بیابند و نیازی به دروغگویی نداشته باشند، احساس بهتری خواهند داشت.

※ فرزندتان را تشویق کنید تا حقیقت را بگوید: وقتی کودکتان حقیقت را می‌گوید با گفتن جملات به او پاداش دهید. بگویید وقتی حقیقت را می‌گویی خوشحال می‌شوم. متشکرم که واقعیت را گفتی چون گاهی اوقات کودک دروغ می‌گوید چون اجازه ندارد حقیقت را بگوید یا می‌داند که به دردسر می‌افتد.

※ برای حقیقت گویی، مدل او باشید: اگر شما خودتان دروغ بگویید یا قول هایی به او بدهید و عمل نکنید. اهمیت حقیقت گویی را نخواهد فهمید. بچه ها در هر سنی نیاز دارند که حقیقت را از والدینش بشنوند ممکن است تفهیم مطلب به کودکتان مشکل باشد ولی سعی کنید مطابق با سن او کلماتی پیدا کنید که دور از حقیقت نباشد.

※ برای اطمینان از حقیقت گویی فرزندتان، کار او را کنترل نمایید: به جای اینکه از کودک خود سئوال کنید آیا تکالیفش را انجام داده یا نه، بخواهید تا آن را به شما نشان دهد. این کار به او نشان می‌دهد که شما تکالیفش را کنترل خواهید کرد، اگر نیمه کاره است او را تشویق کنید تا تمامش کند، در این صورت قبل از اینکه احتمالاً کودک برای دوری جستن از دردسر متوسل به دروغ شود زمینه را برای دروغ مهیا نکرده اید.

※ مثالهای زنده ای برای کودک تعریف کنید: مثالهایی از زندگی واقعی و ماجراهایی که برایتان پیش‌آمده تعریف کنیدکه چگونه گفتن حقیقت ورفتن راه مستقیم‌کمک به‌حل مسئله‌ای‌کرده است.

※ نقل داستانهای حقیقی: هنگامیکه طفل در نخستین مراحل زندگی است، باید مهم ترین قدم را برداشته یک ایده‌آل شریف و عالی در نهاد وی ایجاد نمود تا به راستگویی عادت و از دروغگویی دوری کند. بهترین روش برای عملی نمودن این منظور، نقل داستانهای حقیقی و شرح زندگی رادمردان درستکار و راستگو می‌باشد. شنیدن ماجرای چند قهرمان که در سخت ترین تجربیات خود راستگویی را پیشه خود ساختند و حتی برای رهایی از مرگ نیز به دروغ متوسل نگشتند، کودک را بر می انگیزد که شخص راستگو را تحسین و فضیلت راستگویی را ستایش کند. همچنین نقل داستانهایی که مربوط به دروغگویی و نتایج ناگوار آن باشد، بچه را وا می دارد که نسبت به آن صفت زشت با چشم تحقیر بنگرد.

※ تنبیه را از شیوه‌های تربیتی خود حذف کنید: چون تنبیه مشکل را موقتاً از بین می برد و تا زمانیکه عامل تنبیه حضور دارد آن رفتار انجام نمی‌شود، همچنین باعث حالت تنفر به تنبیه کننده می شود.

※ سعی کنید خودتان به عنوان والدین هرگز دروغ نگویید. متأسفانه بعضی از دروغ های جزئی والدین الگوی بدی برای فرزندان است، زیرا آنان یاد می گیرند که گاهی می توانند از گفتن حقیقت طفره روند.

※ چنانچه فرزندتان کار اشتباهی انجام داد و شما متوجه خطای او شدید، با پرسش‌های موشکافانه و مکرر خود، او را تحت فشار قرار ندهید، زیرا او را به سوی دروغگویی سوق خواهید داد. در چنین شرایطی که مطمئن هستید او کار خطایی انجام داده، اشتباه عملش را به او گوشزد نمایید و او را راهنمایی کنید تا دوباره مرتکب آن نشود.

※ مراقب رفتارهای خود هنگام پرسش و بازخواست از کودک باشید. اگر چهره‌ای عصبانی و خشمناک داشته باشید، ممکن است او از ترس پیامدهای ناخوشایند رفتار شما، مجبور به دروغگویی شود و مجبور است با دروغهای متوالی و بزرگتر دروغهای کوچک و اولیه خود را پوشش دهد. در حالی که می‌توانید با چهره صمیمی و ملایم خود، او را به راستگویی تشویق کنید.

※ هیچ گاه خطاهای معمولی فرزندتان را با خشم و عصبانیت

شدید جواب ندهید و زمانی که او به اشتباه خود پی برده است، سعی نکنید با شرمنده کردن بیش از اندازه او رعب و وحشت بی مورد در دل کودک ایجاد کنید، زیرا او تصور خواهد کرد که اشتباهات روزانه او موجب برانگیختن شما خواهد شد و از ترس این که مبادا در آینده شما را ناراحت کند، ترجیح دهد، دروغ بگوید.

※ درباره ارزش صداقت، درستی و راستی با فرزندتان صحبت کنید به او یاد بدهید که حرف دروغ خریداری ندارد و پس از مدتی که دوستانش به دروغگو یی های مکرر او پی ببرند، اعتمادشان نسبت به او سلب خواهد شد و دیگر گفته های او را باور نخواهند کرد(همانطور که گفته می شود ماه برای همیشه پشت ابرها پنهان نمی ماند) علاوه بر آن، کسب مجدد اعتماد آنها نیز کاری مشکل و سخت است.

※ هرگز فرزندتان را دروغگو خطاب نکنید، زیرا او این صفت و برچسب را به خود خواهد گرفت و پس از مدتی با درونی ساختن این ویژگی تبدیل به یک دروغگو خواهد شد. در عوض همیشه این اطمینان و اعتماد را به او بدهید که می تواند تمام صحبت ها و نظراتش را به راحتی با شما در میان گذارد.

※ دقت کنید ببینید فرزندتان در چه مواردی دروغ می‌گوید، شاید با شناخت بهتر فرزندتان بتوانید مشکل او را حل کنید و مانع از شدت رفتار او شوید.

※ احترام به حریم خصوصی کودک و یا نوجوان گاهی می

تواند مانع از دروغگویی آنان شود، والدین باید در عین آنکه مراقب رفتار و اعمال فرزندشان هستند، اعتماد و صمیمیت آنها را نیز به خود جلب کنند.

※ به کودک بگویید که احساس او را درک می‌کنید و می‌دانید که کودک دوست دارد گاه آرزوهایش به حقیقت بپیوندند. برای مثال، وقتی می گوید: « بهترین فوتبالیست مدرسه است» به او بگویید که می‌فهمید او دوست دارد که بهترین باشد.

※ سعی کنید همیشه درصدد یافتن راه حل مشکل باشید و نه سرزنش و شماتت کودک.

※ برای کودک توضیح دهید زمانیکه ما راست می‌گوییم، دیگران به ما و گفته‌هایمان اعتماد می‌کنند و افکار و رفتارشان را بر پایه صحبت‌های ما بنا می‌کنند. اگر یک نفر مدام دروغ بگوید، هیچکس حرف او را قبول نخواهد کرد و خیلی زود از جمع دوستانش طرد خواهد شد.

※ زمانیکه فرزندتان به رغم اینکه گفتن حقیقت برایش سخت و ناگوار است، راست می گوید، حمایت و توجه لازم را نسبت به این رفتار پسندیده او ابراز کنید. اغلب کودکان دوست دارند که والدینشان از این کار آنها قدردانی کنند. اگر آنها بفهمند که از طریق راستگویی می توانند توجه اطرافیانشان را جلب کنند، مطمئن بدانید که همیشه حقیقت را خواهند گفت.

※ با فرزندتان روراست و یک رنگ باشید. سعی کنید هر روز

چند دقیقه‌ای را برای گفت و گوهای دو نفره اختصاص دهید. کودکان اغلب تمایل دارند آنچه که موجب ناراحتی و دلخوری آنها شده است با والدینشان در میان گذارند. برای مثال وقتی او از درس ریاضی نمره پایینی می گیرد، سعی کنید بدون آن که او را مورد شماتت و سرزنش قرار دهید، احساسات و گفته های او را بپذیرید و این امکان را برای او بوجود آورید که اگر بار دیگر قصد داشت مشکلش را در کمال صداقت با شما در میان گذارد، بدون کمترین ناراحتی این کار را انجام دهد.

※ روش دیگر برای تشویق کودک به راستگویی آن است که علاقه و اعتماد خودتان را به او نشان دهید. با توجه نشان دادن نسبت به کارها، فعالیت ها و برنامه های روزانه کودک و پرس و جو درباره آنچه برای او اهمیت دارد، به راحتی می توانید به نقطه ضعف ها و کمبودهای او پی ببرید.

※ هیچ گاه کودک را برای « راست گفتن » تهدید نکنید، زیرا او را مجبور می کنید که گاهی راست نگوید. هدف ما این است که بچه ها به حقیقت احترام بگذارند، نه آن که از ترس تهدیدهای ما راست بگویند.

※ به کودکانتان به اندازه کافی محبت کنید. در تربیت فرزندان عشق و محبت شاه کلید کلیه مشکلات است و هر گاه با دل و محبت با فرزندان رابطه داشته باشید، مطمئن باشید آنها را بیمه کرده است و هر جا آسیب یا هنجاری اتفاق بیفتد، کمبود محبت

نمود داشته است.

※ دروغگویی مانند هر رفتاری، دارای علل و انگیزه هایی است. از این برای جلوگیری و رفع این رفتار، باید علت یا علل آن را پیدا کرد.

※ اگر می خواهید کودک شما راستگو و درستکار باشد، باید به همان اندازه که آمادگی شنیدن حقایق شیرین و دلپسند را دارید، آمادگی شنیدن حقایق تلخ را نیز داشته باشید.

※ همانطور که دوست دارید دیگران شما را درک کنند و در حل مشکلات یاورتان باشند، کودکان نیز چنین انتظاراتی دارند، باید کودک را درک کرد و با همدردی و مهربانی به او فهماند که مجبور نیست دروغ بگوید.

※ کودک را مورد تشویق قرار دهید، بخصوص در حضور دیگران، تا بفهمد مورد علاقه است و دوستش دارید، تا برای جلب توجه و خود نمایی، مجبور به بروز رفتارهای ناشایست، از جمله دروغگویی نشود.

※ کودک باید در خانواده از احترام کافی و پذیرش مطلوب برخوردار باشد تا اعتماد به نفس در او تقویت شود. عدم احترام به کودک سبب ضعف شخصیتی او می شود در نتیجه برای جبران این ضعف به دروغگویی روی می‌آورد.

※ کودکتان را با تمام استعدادها و توانایی هایی که دارد بپذیرید و آنچه را که انجام می دهد، قبول کنید و از واگذاری کاری که

بیش از طاقت اوست خودداری کنید.

※ از کودک نخواهید جزئیات یک ماجرا را بطـور دقیـق بـازگو کند، زیرا همانطور که قبلاً گفتـه شـد کودکـان اغلـب جزئیـات را فراموش می کنند بنابراین اگر به او فشار وارد شود، بـرای فـرار از این امر ناگزیر به دروغگویی می پردازد.

※ انگیزه دروغگویی در کودک ایجاد نکنید، یعنی وقتی چیـزی برایتان معلوم است برای مچ گیری از کودک سئوال نکنید، مثلاً اگر می دانید مشق هایش را ننوشته است از او نپرسید آیا مشق هایت را نوشته ای ؟ این سؤال بی جا و سئوالات مشابه آن در کودک انگیزه ایجاد می کند.

※ هرگز به کودک خود قول یا وعده ای ندهید که قادر به انجام آن نباشید زیرا کودک توجیهات شـما را درک نکـرده و شـما را بـه دروغگویی متهم خواهد کرد.

※ هرگز سعی نکنید با ایجاد ترس و سلطه جویی کـودک را از دروغ گفتن باز دارید.

※ اگر به کودکتان توجه کافی داشته باشید، اگـر او را بـیش از حد زیر ذره بین نگذارید، اگر با او صادق و صمیمی باشـید، اگـر برای او فضای امن و اطمینان بخش فراهم کنیـد، او چـرا بایـد بـه شما دروغ بگوید ؟

درمان دروغگویی

سعی والدین و مربیان بر این است که کودکـان بـه دروغگـویی مبتلانشوند، اما چنانچه کودکان به دلایل متعدد، دچار این عارضـه شوند، می توان به روش های زیر باوری برخورد کرد:

※ وقتی کودک شما دروغ می گوید، خونسردی خود را حفـظ کنید: اگر برخورد شما با مسئله ای همـراه بـا هیجـان و عـصبانیت باشد، باعث خواهد شد که دفعه بعد برای اینکه شما خشم نیاییـد، مسئله را بصورتی که خوشایند شما باشد، با دروغ بیـان کنـد و یـا برای پوشش دادن این دروغ به دروغ بزرگتر متوسل شود.

※ راستگویی را با او تمرین کنید: وقتی فرزنـد شـما دروغ مـی گوید، به او بگویید بگذار ببینم گفتن حقیقت در این مورد بـه چـه صورت می تواند باشد، لطفاً بگو: بله مامان، بابـا مـن تـوپ را بـه طرف پنجره پرت کردم و باعث شکـستن آن شـدم، کـودک نبایـد برای دفاع از خودش دروغ بگوید، بلکه باید به او تفهـیم کـرد کـه نیازی به گفتن دروغ نیست.

※ کودکان را بخاطر دروغگـویی محکـوم نکنیـد: بـه کودکتـان برچسپ دروغگو نزنیـد. ایـن برچـسب بـه او یـک بـاور منفـی از خودش می دهد و خود را ناچار به دروغگویی می بیند.

※ رفتار و شخصیت کودک را از هم جدا کنید. مـثلاً اگـر دروغ گفت نگویید تو همیشه دروغگو هستید و قابل اعتماد نیستید، بلکه رفتار دروغگویی را ضمن قبول شخصیتش محکوم کنید تا در صدد

رفع آن رفتار برآید نه این که کل شخصیتش را بر باد رفته احساس کند.

※ در صورت مشاهده دروغ، شتاب زده عمل نکنید و به تنبیه کودک مبادرت نکنید. سعی کنید اول دلیل و یا دلایل دروغگویی را با توجه به دوره و مقطع سنی بررسی و شناسایی نمود، و در رفع آن عوامل ایجاد کننده اقدام کنید.

※ والدین و مربیان باید واقعیات را بپذیرند و برای شنیدن موارد شیرین و تلخ از طرف کودکان آماده شوند و با رفتار خود به کودک بیاموزند که گفتن واقعیات به هر صورتی که باشد مقبول است و موجبات تنبیه و آزار کودک را فراهم نخواهد کرد.

※ باید به این نکته توجه شود که درمان دروغگویی احتیاج به گذشت زمان دارد، زیرا از بین بردن یک رفتار زشت و جایگزین کردن خُلق نیک و شایسته، با یک بار و چند بار امکان پذیر نیست، باید افراد را تشویق نمود تا مدتی به اعمال نیک و شایسته بپردازند و از کار زشت مانند دروغ دست بردارند. از سوی دیگر والدین و مربیان باید در جعبه ابزار تربیتی خود موارد جایگزین را داشته باشند که بتوانند رفتارهای نیکو را جایگزین رفتارهای ناپسند نمایند.

دیدگاه اسلام در مورد دروغ

اسلام دروغ و سوگند دروغ را از آفات زبان و گناه زشت و عیب فاحش می داند. در مورد آن همانند سایر موارد اجتماعی دستورات و تأکیدات صریحی دارد. اسماعیل بن واسط می گوید از

ابوبکر صدیق (رض) شنیدم و در حین سخنرانی فرمود:

پیامبر (ص) در این جایگاه ایستاد و گریست و گفت: اِیّاکم وَ الکَذِت فِانّه معَ الفُجورِ و هُما فی النّار: از دروغ بپرهیزید زیرا دروغ با معصیت است و مرتکب هر دو در آتش اند. و ابو اُمامه روایت می کند که پیامبر (ص) فرمود: اِنَّ الکَذبَ بابٌ مِن اَبوابِ التفاق: دروغ دری است از درهای نفاق. حسن بصری می گوید: چنین آورده‌اند که نفاق علامت اختلاف سرّ و علانیه، قول و فصل و مدخل و مخرج است و اصلی که بنای نفاق برای آن است. دروغ می باشد پیامبر اسلم (ص) می فرماید: کَبرُ خیانه اَنْ تُحدِّثَ اَخاک حدیثاً هُوَ لکَ بهِ مُصَدّقُ و انتَ بِهِ کاذبُ: این خیانت است که هنگامیکه با برادرت سخن می گویی و او به تو اعتماد کند تو با او دروغ بگویی.

پیامبر اسلام (ص) در جایی عبور می کرد که دو مرد در حال معامله یک رأس گوسفند بودند و در معامله قسم می خوردند و پس از مدتی معامله انجام شد، پیامبر (ص) فرمود یکی از ایشان بزهکار و محتاج کفارت است. همچنین پیامبر اکرم (ص) می فرماید: ثَلاثَهُ نَفرِ لا یُکَلّمُهُمُ اللهُ یَوْمَ القیامه و لا یَنْظُرُ اِلَیهم. اِمَنّاَنُ بِعَطِتَّه و المُنْفقُ بِالحَلْفِ الفاجِرِ سِلْعَتَهُ و المُسْبِلُ اِزارَهُ: سه نفرند که حق تعالی روز قیامت با ایشان سخن نگوید و در ایشان نظر نفرماید: منت نهنده به عطا، رایج گرداننده کالا به سوگند دروغ و فرو گذارنده ازار.[1] (کسی که با تکبر راه برود).

همچنین پیامبر (ص) می فرماید: وَیلٌ لِلَّذی یُحَدِّثُ فَیَکْذِبُ لِیُضْحِکَ بِهِ القَومَ، وَیلٌ لهُ، وَیلٌ لَه: وای بر آن کس که سخن دروغ گوید تا مردمان را بخنداند، وای بر او، وای بر او.

نیز پیامبر (ص) در حال تکیه می فرماید: اَلا اُنَبِّئُکُم بِاَکبرِ الَبائر ؟ اَلا شُراکُ بِالله و عُقوقُ الوالِدَیْن: خبر دهم شما را که بزرگترین کبائر کدام است ؟ شرک آوردن به خدا و عقوق پدر و مادر، پس نشت و فرمود: اَلا وَ قَولُ الذّور: بدان که سخن دروغ نیز. ابن عمر روایت می کند که پیامبر (ص) می فرماید: انّ العَبدَ لَیَکْذِبُ الکذْبَهَ فَیَتَباعَدُ المَلَکُ عَنهُ مَسیرَهَ میل مِن نَتْن ما جاءَ بِهِ: بنده دروغ گوید و از او فرشته یک مایل دور شود بخاطر بدبویی آنچه که گفت.

حضرت علی (ع) می فرماید: بزرگترین گناهان نزد حق تعالی زبان دروغگویی است و بدترین پشیمانی پشیمانی روز قیامت.

باز پیامبر (ص) می فرماید: برای من شش چیز قبول کنید، من برای شما بهشت را مژده می دهم: گفتند آن شش چیز؟ فرمود: چون یکی از شما سخن گوید باید که دروغ نگوید و چون وعده داد باید که خلاف وعده نکند و چون به وی امانتی داده شد در آن خیانت نکند، چشم فرو خوابانید، و دستها باز دارید و فرجها نگاه دارید.

منابع

- آتش پور، سید حمید، ماهنامه تربیت، سال پانزدهم. شماره ۵، بهمن ۱۳۸۷

- ایزدی، علی محمد، نجات، جلد ۱ و ۲، انتشارات قلم، چاپ اول، زمستان ۱۳۶۹

- دهنوی.حسین، نسیم مهر (۱)، ناشر محدث، چاپ بیست و نهم، پاییز ۱۳۸۶

- شرفی، محمدرضا، مشکلات تربیتی را چگونه حل کنیم. انتشارات تزکیه، چاپ دوم، بهار ۱۳۷۷

- عابدی، محمدرضا، گوهری انارکی، مسعود، نسخه های راهنمای خانواده، جلد اول، انتشارات جهاد دانشگاهی اصفهان، چاپ اول ۱۳۷۶

- عبدالفتاح طیاره، عفیف، گناهان و لغزش از دیدگاه اسلام. ترجمه محمد صالح سعیدی، نشر احسان، ۱۳۷۷

- غزالی، امام ابوحامد محمد غزالی، احیاء علوم الدین، جلد ۳، ترجمه مؤید الدین محمد خوارزمی، به کوشش حسین خدیوجم، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ سوم، ۱۳۷۴

- فرقانی رئیسی، شهلا، شناخت مشکلات رفتاری در کودکان و نوجوانان، معاونت پرورشی وزارت آموزش و پرورش، چاپ دوم، ۱۳۷۴

- قاسم زاده، فاطمه، چرا بچه ها دروغ می گویند ؟ معاونت پیشگیری سازمان بهزیستی، ۱۳۷۳.

- کسائیان (قندی)، مینو، مترجم (جری و یک آف – بار بارا یوفل با مولف)

- مشکلات رفتاری کودکان ۶ تا ۱۲ ساله، سازمان انتشارات کیهان، چاپ اول ۱۳۸۷

دروغگویی کودکان

(شناخت و پیشگیری)

مؤلف:
رضا فرجی

سرشناسه	: فرجی، رضا، ۱۳۴۶.
عنوان نام پدیدآور	: دروغگویی کودکان (شناخت و پیشگیری) مؤلف رضا فرجی
مشخصات نشر	: سنندج: آراس، ۱۳۸۸
مشخصات ظاهری	: ۴۷ص.
شابک	: ۹۷۸ـ۹۶۴ـ۸۶۲۰ـ۸۹ـ۴
فهرست‌نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتابنامه، ص ۴۸ ـ ۴۹
موضوع	: راستگویی و دروغگویی در کودکان
موضوع	: کودکان ـ ـ روان‌شناسی
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۸۸ ـ ۴ف۲ر/BF۷۲۳
رده‌بندی دیویی	: ۱۵۵/۴۱۸
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۴۷۰۳۹۱

شناسنامه کتاب

نام کتاب: : دروغگویی کودکان

مؤلف: : رضا فرجی

ناشر: : آراس

تیراژ : ۳۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: : اول ۱۳۸۹

صفحه‌آرایی: : آشنا (سنندج)

قیمت: : ۱۰۰۰ تومان

شابک: : ۹۷۸ـ۹۶۴ـ۸۶۲۰ـ۸۹ـ۴

ISBN: ۹۷۸-۹۶۴-۸۶۲۰-۸۹-۴

مرکز پخش: سنندج، پخش کتاب امام غزالی

تلفن ۲۲۵۶۱۰۰ ـ ۰۸۷۱

فهرست

مقدمه:

همه ما داستان چوپان دروغگو و عواقب آن را شنیده یا خوانده‌ایم. صفت بارز چوپان دروغگو، یعنی دروغگویی صفتی است که از ویژگی‌های کودکان و گاهی بزرگسالان است که فقط منحصر به زمان چوپان دروغگو نبوده و در واقع دروغ در تمام ادوار و اعصار یک آفت اجتماعی است که باعث به وجود آمدن بسیاری از پستی‌ها و بدی‌ها می‌گردد، بدیهی است جامعه‌ای که در میان افراد آن دروغ رایج و متداول باشد قطعاً جامعه‌ای صالح و سالم نمی‌باشد، بلکه ملتی در حال ترقی و پیشرفت است که صداقت و درستی در آن استوار و پا بر جا باشد، زیرا دروغ دشمنی و کینه توزی را در میان مردم ببار می‌آورد و منجر به بی اعتمادی در میان آنان می‌گردد و آنان را از همدیگر دور می‌سازد بطوری که هیچ گونه تعاون و همیاری در بین آنان انجام نمی‌گیرد، و فاقد هر گونه الفت و محبت نسبت به همدیگر می‌باشند، و از این جهت است که اسلام کذب را یکی از گناهان کبیره شمرده است و می‌فرماید: «إِنَّ اللهَ لاَ يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذّابٌ»[1] بی گمان خداوند کسی را (به راه نجات و رستگاری) رهنمود نمی‌سازد که تجاوز کار و دروغ پرداز باشد. و باز می‌فرماید: « ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ»[2] پس دست دعا و التماس به سوی خدا بر می‌داریم و نفرین خدا را برای دروغگویان تمنا می‌نمائیم.

پیامبر اکرم (ص) نیز مسلمانان را به صداقت و راستگویی سفارش نموده و از دروغ پردازی و دو روئی بر حذر داشته است و می‌فرماید: « إِنَّ الصِّدْقَ يَهْدِي

۱. [غافر/۲۸]

۲. [آل‌عمران/٦١]

إلی الْبِرّ یَهْدِی إلی الْجَنَّه وَ إنَّ الرّجُلَ لَیَصدُقُ حَتّی یُکْتَبَ عَندَالله صِـدّیقاً، وَ إنَّ الّکذْبَ یَهْدِی إلی الْفُجُورَ یَهْـدِی إلـب النّـارِ و إنَّ الرَّجُـلَ لَیَکْـذِبُ حَتـیَّ یُکْتَـبَ عِندَالله کَذّاباً »[1] صـداقت و راسـتگویی انـسان را بـسوی خیـر و نیکـی هـدایت می‌کند، و خیر و نیکی نیز او را بطرف بهشت رهنمود می‌نماید و مسلماً شـخص راست می‌گوید تا اینکه نزد خداوند به عنوان فرد بسیار راستگو به حساب آید، و تردید نیست دروغ پردازی انسان را به طرف فسق و فجور هدایت می‌کند و بـی گمان فسق و فجـور نیـز او را بـسوی دوزخ رهنمـود مـی‌سـازد و شـخص دروغ می‌گوید برای اینکه نزد خدا به عنوان فردی بسیار دروغگو به حساب آید.

باز پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: « آیَهُ الْمُنافِقِ ثَـلاثٌ إذا حَـدَّثَ کَـذَبَ وَ إذا وَعَدَ أخْلَفَ وَ إذا أؤْ تُمِنَ خانَ»[2] نشانه شخص منافق سه چیز است: هرگـاه سـخن گوید، دروغ گوید و هر گاه وعده دهد، خلاف وعده کند و هر گـاه امـانتی بـه او سپرده شود در آن خیانت ورزد. بدون شک کودکان صـداقت و راسـتگویی را از والدین خود می‌آموزند. آنچه پـدر و مـادر مـی‌گوینـد و سرمـشقی اسـت بـرای فرزندانشان تا از این طریق نحوه رویارویی با مـسائل و مـشکلات را یـاد بگیرنـد زمانیکه والدین و اعضای خانواده سعی می‌کنند هر واقعه‌ای را آن طور که اتفاق افتاده است، برای یکدیگر تعریف کنند، در حقیقت صداقت و راسـتگویی را در بین اعضای خانواده خود استوار می‌سازند.

بتوانند بدون ترس و دلهره به زبان آورند. برای موفقیـت در ایـن امـر، بهتـر است به جای سرزنش کودک، درصدد یافتن علت و خطـا و پیـشامد فـوق بـود، یافتن و درک حقیقت اولین گام برای آموزش راستگویی به کودکان است.

---

۱. روایت از بخاری و مسلم.

۲. روایت از بخاری و مسلم.

کلیات

یکی از صفات پسندیده هماهنگ با سرشت آدمیان « راستگویی» است. هر انسانی بالقوه مایل است راست بگوید و همچنین سخنانی را که از دیگران می‌شنود راست تلقی کند. دروغ گفتن، انحراف از صراط مستقیم و فطرت انسانی و مخالف وجدان اخلاقی است. متأسفانه این مرض خطرناک، مخصوص بزرگسالان نیست، بچه‌های کوچک نیز به این ناهنجاری دچار می‌شوند و از کودکی به دروغگویی عادت می‌کنند و گاهی چنان به این عادت ناپسند انس می‌گیرند که از دروغ گفتن لذت می‌برند و از اینکه دیگران را با گفته‌های نادرست و غیر واقعی خود جذب کنند، مسرور می‌شوند پدران و مادران و مربیان باید بدانند که دروغگویی ناخوشی خطرناکی است که ممکن است از دوران کودکی بروز کند و فرد تا پایان عمر به آن مبتلا باشد. البته باید متمرکز شد که هیچ انسانی فطرتاً دروغگو نیست، بلکه دروغگویی را از محیط خود، یعنی خانواده، مدرسه، دوستان و به طور کلی اجتماعی که در آن زندگی می‌کند یاد می‌گیرد. این خوی ناپسند به مرور زمان تبدیل به عادت شده و گاه کل شخصیت فرد را پوشش می‌دهد، بنابراین دروغگویی افراد، هم از نظر علت و زمینه پیدایش و هم از نظر

حتی در سنین بالاتر نیز قدرت تخیل کودک به حدی قوی است که گاهی موجب می‌شود آنچه را که تصور کرده است، حقیقت بپندارد، بنابراین در این مواقع، توصیه می‌گردد کودک را به بیان جزئیات اشیا و پدیده‌ها مجبور نکنیم و از او در حد رشد ذهنی‌اش انتظار ارائه پاسخ داشته باشیم، مهمتر از اینکه هرگز به تخیلات او نخندیم و او را مسخره نکنیم و بیهوده تلاش نکنیم مچش را بعنوان دروغگو بگیریم، بلکه با خونسردی با وی برخورد کرده و به او بفهمانیم چه چیزیهایی واقعیت و چه چیزهایی غیر واقعی‌اند. برخی از والدین اغلب نگران دروغ‌های کودک یا نوجوان خود هستند و ممکن است ندانند که باید چه روشی را در مقابل دروغهای او اتخاذ کنند. آیا آن را نادیده بگیرند؟ کودک را تنبیه کنند؟ می‌توانند به تنهایی آن را مدیریت کنند یا باید کمک متخصصین را بطلبند؟

برای اینکه فرزندان خود را راستگو تربیت کنیم ابتدا باید نسبت به اعمال خود نهایت دقت را داشته باشیم و نیز در ارتباط خود با دیگران دقت کنیم، زیرا در یک جامعه معمولاً تربیت‌های متفاوتی وجود دارد. تربیت کودک باید از همان دوره طفولیت او آغاز شود، صداقت و راستگویی از مواردی است که باید قبل از سنین مدرسه به آن توجه شود.

دروغ گفتن یکی از رفتارهای متداول کودکان ٤-٥ ساله است که از لحاظ اخلاقی اشکالی ندارد. کودکان در این سن و سال معمولاً به دو شکل دروغ می‌گویند که نخستین آن خیال پردازی است،

میزان و شدت و ضعف با یکدیگر متفاوت است.

دروغگویی از نظر لغوی به معنای کتمان واقعیت است. فرد دروغگو از طریق دروغ گفتن ضعف‌های خود را می‌پوشاند و شنونده را گمراه می‌سازد. خود را از تنبیه نجات می‌دهد و بدان

وسیله توجه دیگران را به خود جلب می‌کند. دروغ بیان مطلبی است که فرد به قصد فریب دادن دیگران با آنکه خوب و خودآگاهانه می‌داند که نادرست می‌باشد، اظهار می‌دارد. دروغگویی با افسانه سرایی تفاوت دارد. زیرا در افسانه سرایی فرد در هنگام داستان سرایی واقف و آگاه بر دروغگویی خود نمی‌باشد. دروغگویان تمایل به تکذیب حققیت یا دروغگویی موضوع دارند و به تدریج این مسئله جزو عادات آنها می‌گردد.

در بین کودکان خردسال که با جزئیات اشیاء و پدیده‌ها آشنایی کافی ندارند، دروغگویی بیشتر جنبه رویا و خیالبافی دارد و کمتر به منظور فریب دیگران انجام می‌شود، در حقیقت تا سنین سه تا چهار سالگی، دروغ به مفهومی که برای بزرگسالان مطرح است در کودکان وجود ندارد. بنابراین هر گاه در این سنین واقعیات بطور وارونه یا منحرف ارائه شود، هدف کودک امتیاز نیست. بعد از سنین چهار سالگی، تدریجاً بر اثر دخالت‌های عوامل محیطی، تربیتی نادرست دروغگویی در کودک شکل می‌گیرد. علت این است که در کودکان بین واقعیت‌ها و تخیلاتشان تفاوتی قائل نمی‌شوند، یعنی چیزی را که می‌بینند و چیزی را که تصور می‌کنند، یکی می‌پندارند

کودک با جعل داستان یا با طرح مبالغه‌آمیز بعضی از واقعیات، اغلب خواسته خود را با ما در میان می‌گذارد و غیر مستقیم از امیالش صحبت می‌کند. در این صورت بهتر است که پدر و مادر در تأیید خواسته کودک حرف بزنند.

دروغ نوع دوم، دروغ به اصطلاح مفید است، دروغی است که بزرگترها هم می‌گویند و آن را به حساب دروغ مصلحت‌آمیز می‌گذارند تا به جای نتیجه بد، نتیجه خوب بگیرند، در این مرحله از رشد کودک تنها کار درست را در خواسته خود می‌جوید و با استفاده از دروغ برای رسیدن به خواسته‌اش تردیدی به خود راه نمی‌دهد. در این موارد باید به کودک تفهیم کنیم که از راستگویی و صداقت او خوشحال می‌شویم باید بداند که دروغ‌و دروغگویی را دوست نداریم. باید توجه داشت که این مسئله در سنین بالاتررفتاری ناپسند است‌که به کودک شخصیت ساختگی و تصنعی می‌بخشد. هرگاه کودک شما در موقعیت نامطمئن و ناامن قرار گیرد و احساس خطر یا حقارت کند به گفتن دروغ متوسل می‌شود. کودک دروغگو به گفته‌هایش ایمان ندارد و به طور قاطع و صریح حرف نمی‌زند، به تدریج اعتماد خود را به دیگران از دست می‌دهد و نسبت به اطرافیان بدبین می‌شود. متأسفانه برخورد بسیاری از والدین در این موارد با تنفر همراه است زیرا از خود سؤال می‌کنند که چرا فرزندشان دست به چنین عملی زده است؟ در برخورد با چنین مواردی والدین نباید به چشم یک آدم دروغگو به کودک نگاه

کنند و یا دائماً به آنها ظنین باشند، زیرا چنین برخوردی عواقب ناگواری را به همراه خواهد داشت. برای پیشگیری و درمان دروغگویی، شناخت علل آن کاملاً ضروری است بعضی برای کوچک نشدن و بعضی‌ها برای بزرگ شدن به دروغ متوسل می‌شوند، بعضی به دروغ همرنگ جماعت می‌شوند و آنی رنگ عوض می‌کنند، بعضی با دروغگویی می‌خواهند بزرگها را کوچک کنند. بعضی کوچک‌ها با دروغگویی و فریب می‌خواهند در جای بزرگان بنشینند. دروغگویی ابزار دست ضعیف دستان است که بجای اینکه تلاش کنند با دروغ گفتن می‌خواهند راه صد ساله را یک شبه بروند. دروغگویی به عنوان یک مشکل علل گوناگون و متعددی دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

انواع دروغگویی:

روانشناسان دروغگویی را به ۸ دسته تقسیم می‌کنند:

۱. دروغ گویی انتقام جویانه: این نوع دروغگویی کودکان جهت آزار و انتقام از افرادی است که مورد خشم او قرار گرفته‌اند و یا به نحوی او را مورد تنبیه قرار داده‌اند که فرد خود مستحق آن نمی‌دانسته است. دروغگویی انتقام جویانه از نفرت کودک به شخص یا شیء ناشی می‌شود.

۲. دروغ محدود: که جهت فرار خود یا دوستان از تنبیه که در

نتیجه ترس از مقررات شدید و یا تنبیه بدنی ناشی می‌شود.

۳. دروغ خودخواهانه: این نوع جهت خودخواهی و رسیدن به یک نیاز بوده و دروغی است حساب شده بمنظور گول زدن دیگران برای بدست آوردن آنچه را که میخواهد.

٤. دروغ‌های خیالی یا داستان پردازی: در این نوع دروغ، کودکان سعی می‌کنند به خیالات خود صورت واقعی بدهند، آنان با این نوع می‌خواهند حوادث تخیلی و یا بازی را به دیگران بفهمانند.

۵. دروغ مبهم: این نوع از ناتوانی کودک در گزارش دقیق جزئیات و یا مغالطه کردن ناشی می‌شود که دراصل برمی‌گردد به توان حافظه، گنجایش و نحوه پردازش آن و نیز محدودیت حافظه در این موارد.

٦. دروغ پوچ: کودکان جهت جلب توجه کردن دیگران این دروغ را می‌گویند.

۷. دروغ عرفی یا وفادارانه: به منظور حفظ و مراقبت از دوست یا دوستان انجام می‌گیرد.

۸. دروغ عادتی: به دلیل الگوبرداری از والدین یا دیگران فرا گرفته می‌شود.

علل و انگیزه‌های دروغگویی

فردی که دروغ می‌گوید، ممکن است انگیزه یا انگیزه‌های متعددی داشته باشد که شناخت این عوامل در پیشگیری و درمان

آن، لازم و ضروری است. ممکن است فرد به یک دلیل و یا دلایل متعدد دروغ بگوید، در زیر به نمونه‌هایی از علل و عوامل و انگیزه‌های دروغگویی اشاره می‌شود.

※ انگیزه ابراز وجود: کودکان بطور فطری به توجه نیاز دارند و گاهی برای جلب توجه دیگران به خود، دروغ می‌گویند، کودکان در سنین پایین به چشم و گوش دیگران نیاز دارند که حرفهایشان شنیده شده و چشمی به صورتشان در زمان صحبت کردن خیره شود. اگر کودک نتواند از روش‌های طبیعی جلب توجه کند به روشهای غیر طبیعی از جمله گفتار گمراه کننده و اعجاب انگیز متوسل می‌شود تا از این رهگذر، توجه از دست رفته را جبران نماید.

※ انگیزه خیال پردازی: برخی از کودکان به دلیل نامساعد بودن اوضاع خانواده و تمایل شدید به دروغگویی، مرز خیال را از واقعیت باز نمی‌شناسند و در نتیجه این دو قلمرو را در هم می‌آمیزند و حاصل آن، بیان تخیلات است که برچسب دروغ به آن زده می‌شود. البته می‌توان از تخیلات که همان تراوشات فکری کودکان است جهت پیشرفت و بهبود در امور استفاده کرد، زیرا تمام پیشرفت‌ها در آغاز ناشی از تراوشات مغزی و تخیلات بشر بوده است. بنابراین جمله « تخیلات شما را خریداریم » را گاهی در مورد کودکانمان بکار بگیریم. البته دروغگویی تا حدود ٦ سالگی طبیعی است و جای نگرانی نیست چون علت دروغگویی کودکان تا این حدود سنی، تخیل قوی است. او نمی‌تواند بین بیداری و

رؤیا و حقیقت و مجاز فرق بگذارد. کودک در این سن جاندار پندار است و به اشیاء جان می‌دهد مثلاً وقتی با عروسکش بازی می‌کند به گونه‌ای با او حرف می‌زند که گویا زنده است.

※ انگیزه تشویش و اضطراب: انسانها دو نوع « خود » دارند: خود واقعی که همان خودی است که فرد دارد، اینکه او چه کسی است با چه گذشته‌ای، چه توانی، چه استعدادی و. .. و خود آرمانی یا ایده آل که آن خودی است که دوست داریم آنطور باشیم. لازم است در زندگی این دو نوع خود انسان نزدیک به هم باشد اما خود ایده‌آل مقداری جلوتر باشد تا باعث تلاش و حرکت به سمت ترقی و متعالی باشد. حال هر اندازه فاصله میان داشته (خود واقعی) و خواسته‌هایمان (خود آرمانی) طولانی‌تر و بیشتر باشد، بیشتر رنج می‌بریم و به شیوه‌هایی دست می‌زنیم که رنج مستمر ما را کاهش دهد. در این مورد اگر اولیاء و مربیان مدرسه و یا والدین، توانایی‌های کودک را مد نظر قرار ندهند و از او انتظاراتی به مراتب بیش از توانایی‌هایش داشته باشند، تعادل کودک بر هم می‌ریزد و برای رهایی از فشار سنگین کلمات سرزنش آمیز و خلاص شدن از تحقیرهای پس از شکست به دروغ متوسل می‌شود.

※ انگیزه تقلید و تأسی: کودکان از قدرت یادگیری فوق العاده برخوردارند، آنگونه که صرف نظر از درستی یا نادرستی عمل، به محض مشاهده عمل از سوی مراجعین قدرت، بدان گرایش پیدا می‌کنند کودکان همانند دوربین‌های تازه و قوی هستند که

صدابرداری و فیلم برداری بی‌عیب و نقصی دارند و آنچه را کـه در اطراف آنان اتفاق می‌افتد به خوبی ضبط نموده و در زنـدگی آینـده خـود آن را پخـش مـی‌نماینـد. بنـابراین یکـی از عوامـل پـرورش راستگویی در کودکان، محیط خـانوداه اسـت. جـایی کـه پـدران و مادران راستگو هستند و پیرامون دروغ و خلاف حقیقت نمی‌گردند، کودک طبعاً به راه درستی می‌رود و راستگو بـار مـی‌آیـد. بـرعکس جایی که پدران و مادران خـود دروغ مـی‌گوینـد و بـه ایـن خـوی ناپسند عادت دارند، قطعاً کودک نیز دروغگـو مـی‌شـود. در چنـین خانواده‌ای ایجاد شرایط روانی برای جلوگیری از دروغگویی بی اثر است (مثلاً ایجاد ترس و تهدیـد و یـا تنبیـه و سـرزنش). محـیط زندگی مهمترین و بزرگترین عامل سازنده شخصیت کودک است و با هیچ یک از عوامل روانی قابل مقایسه نیست. کودک بدون توجـه و اراده با محیطی که در آن زندگی می‌کند، منطبق می‌شـود و آنچـه می‌بیند و می‌شنود، در فکر او نقش می‌بندد. وقتی مرد یـا زن بـدون عنوان پدری یا مادری دروغ می‌گوید، مرتکب یک گناه کبیره شـده و استحقاق کیفر دارد ولی وقتی آن مرد و زن پدر و مـادر باشـند و در محیط خانواده، در مقابل گوش‌های حساس و چشم‌های کنجکاو فرزندان خود دروغ بگوینـد، عـلاوه بـر گنـاه دروغ، گنـاه دیگـری مرتکب شده و آن گناه پرورش فـردی دروغگوسـت کـه قطعـاً بـه مراتب بزرگتر است. اگر در خانواده‌ای والدین یا دیگر کـسانی کـه با کودک و نوجوان زندگی می‌کنند دروغ بگویند، ناخودآگاه و بطور

غیر مستقیم زمینه دروغگویی را برای آنان فراهم ساخته‌اند چون نزد کودکان اولیاء و نزدیکان شخصیت‌های فوق العاده و قابل اعتمـادی هستند که همیشه راست و درست می‌گویند. در واقـع اولـین درس دروغگویی را فرزندان از والدین و اطرافیان خواهندآموخـت، زیـرا خانواده اولین محیط تربیتی محسوب مـی‌شـود و گفتـار و رفتـار و بطور کلی طرز زندگی در تربیت و شکل دهی رفتار فرزنـدان مـؤثر است. وقتی کودکان دروغگویی را از والدین یاد گرفتنـد بـه مـرور زمان جزء شخصیت آنان شده و در بزرگسالی نیز رفتار دروغگویی در آنها ظاهر می‌شود. حضرت علی (ع) می‌فرمایـد: قلـب کـودک همانند زمین بکر و آماده‌ای است کـه هـر چـه در آن کاشـته شـود پرورش می‌یابد. و دروغ بذری است که توسـط اطرافیـان در زمـین حاصلخیز کاشته می‌شود و با آبیاری و پرورش مناسب رشد می‌کند تا حدی که گاهی بصورت یـک درخـت تنومنـد در مـی‌آیـد و در بزرگسالی نیز مشاهده می‌شود. پس بطور واضح دروغگویی اعضای خانواده یا نزدیکان کودک را دروغگو می‌کند. صدای در منزل بلنـد می‌شود پدر با قراینی می‌فهمد طلبکار است، به فرزندش می‌گویـد: بگو پدرم خانه نیست. پدر بطور غیر مستقیم دروغگویی را به فرزند خود منتقل می‌کند یا کودک مرتکب خلافی شده است. پدر یا مـادر می‌گوید: آقا کلاغه خبر آورده که چنین کاری کرده‌ای، او به تدریج می‌فهمد که این مسئله دروغ است و خود نیز دروغ می‌گوید. افزون بر این اعتمادش نیز از والدین سلب خواهد شد.

※ انگیزه تعارض: تعارض موقعیت یا حالتی است که فرد در دوراهی گیر کرده که یا هر دو راه خواستنی و یا هر دو راه نخواستنی هستند اما باید یکی را انتخاب کند. برخی والدین فرزندانشان را در موقعیت‌های کاملاً متعارضی قرار می‌دهند که تصمیم گیری برای کودک به غایت دشوار می‌شود. مثلاً در مواقعی که هر یک از والدین از کودک می‌خواهند که فقط مطابق میل و خواست او عمل کند، در حالیکه خواست هر یک، مخالف خواست دیگری است. کودک ناگزیر به ایفای نقشی دو جانبه و مزورانه می‌شود تا محبت هیچ یک را از دست ندهد و مقبولیتی نزد هر دو داشته باشد. همانند زمانیکه از کودک خواسته می‌شود که بگوید، پدرش را بیشتر دوست دارد یا مادرش، که اگر بگوید پدرش، مادر را از دست رفته می‌داند و اگر مادرش را انتخاب کند، پدر را از دست می‌دهد. در بسیاری از مواقع وقتی کودک می‌گوید که هر دو را دوست دارد باز با فشار و اصرار مواجه می‌شود که یکی را انتخاب کند و کدامیک را یک کمی بیشتر از دیگری دوست دارد، یا گاهی پیش می‌آید که پدر و مادر از دو شهر یا دو منطقه متفاوت هستند وآشنایان و حتی بعضی مواقع مهمانان برای تفریح و سرگرمی خود فرزندان این خانواده را فراخوانده و می‌پرسند کجایی هستی؟ و به اصطلاح خودشان می‌خواهند عیار و توان زوجین را بسنجند که کدامیک در منزل حاکم هستند. همچنین گاهی مشاهده می‌شود از بچه‌ها پرسیده می‌شود که دایی را دوست دارد یا عمو و

یا پدربزرگ و مادر بزرگ مادری را دوست دارد یا پدربزرگ و مادربزرگ پدری را که این سؤالات در اصل برای سرگرمی خودشان و بدست آوردن میزان قدرت پدر و مادر خانواده، غافل از اینکه با چنین سؤالاتی به کودکان چه ضربه‌ای وارد می‌نماید. این افراد باید آگاه باشند که اولاً کودکان اسباب بازی نیستند که از آنان برای سرگرمی استفاده کرد و از سوی دیگر چنین موقعیت‌های متعارض، دردناکترین شرایط را برای کودک فراهم می‌نماید و او را به اتخاذ روشی فریبکارانه سوق می‌دهد.

※ گاهی اوقات به این دلیل دروغ می‌گویند که اجازه ندارند حقیقت را بر زبان آورند. مثلاً وقتی کودک به مادرش می‌گوید که از برادر تازه تولد یافته‌اش متنفر است، شاید مادر او را به خاطر این حقیقت گویی تنبیه کند. اگر کودک در همان لحظه دروغ اظهار کند حالا برادرش را دوست دارد، ممکن است پاداش بگیرد و مورد توجه قرار گیرد. در چنین وضعیتی وی نتیجه خواهد گرفت که آدمی را بخاطر حقیقت گویی کتک می‌زنند و بخاطر دروغگویی پاداش می‌دهند. برای پرورش حس راستگویی در کودک، باید به احساسات کودک گوش داد هر چند که تلخ باشند، بنابراین نباید او را تشویق و تحریک کرد که درباره احساساتش دروغ بگوید. در حقیقت کودک از واکنش‌های مادر برابر احساسات بیان شده‌اش، یاد می‌گیرد که آیا صداقت و راستگویی بهترین حقیقت است یا نه؟ بنابراین والدین باید همان اندازه که منتظر شنیدن اخبار و حالات

خوب فرزندان هستند منتظر شنیدن واقعیات تلخ را داشته و آمادگی انجام رفتار درست با آنرا داشته باشند.

※ آموزش نادرست خانواده و اجتماع: کودک تا حد بسیاری در رفتارهای خود از والدین و افراد خانواده تقلید می‌کند. در خانواده‌ای که پدر، مادر و دیگر اعضای آن همواره به یکدیگر دروغ می‌گویند، نمی‌توان انتظار داشت کودکی راستگو تربیت شود. در جامعه نیز معمولاً افراد راستگو را آدم صاف و ساده که مترادف با شخص خل و احمق است می‌نامند و گاه برای اینکه شخص صادقی را معرفی کنند، میگویند آدم بدبختی است، اما در مقابل افراد چند رنگ و مزور را آدم‌های زرنگ، جسور، بادل و جرأت و زیرک می‌خوانند. مسلماً دروغگویی ارثی نبوده و اکتسابی است که از پدر و مادر، خواهر و برادر و یا از سایر افراد بزرگ اطراف آموخته می‌شود. وقتی به فرزندانتان می‌گوئید امروز که به بازار رفتم، فلان چیز را (که او دوست دارد و خواهان آنست) برایت می‌خرم، اما حتی در ذهن خود هم آنرا نگه نمی‌دارید و بطور کلی فراموش می‌کنید دروغ را به او یاد می‌دهید، چون او آنرا فراموش نکرده و بی صبرانه منتظر بازگشت شماست. چون موقعی که این حرف را به بچه می‌گفتید و به او قول می‌دادید، فقط برای از سر خود کردن بود نه به قصد انجام آن، در نتیجه وقتی که به خانه برگشتید و بچه جلو دوید و با اشتیاقی تمام آنچه را که گفته بودید از شما خواست با هزاران راست و دروغ باز هم سعی می‌کنید سرِ

او شیره بمالید. در این حال عملاً به برادر یا خواهرش که همراه شما بیرون از منزل بوده (یا شاهد قول و قرار شما بوده است) می‌آموزید که چطور می‌توان مردم را دست به سر کرد و چطور می‌توان با دروغ‌های شاخدار قول و وعده‌ها را به باد داد. از طرف دیگر قسم خوردن برایمان به آسانی و سرعت نفس کشیدن است. از خدا و پیامبران و اولیاء، دست بریده و دندان شکسته و فرق شکافته تا نان و نمک، زلف و ریش و سبیل طرف و. .. هر چه به نظر می‌رسد، استفاده می‌کنیم و برآنها قسم می‌خوریم تا شاید بتوانیم آن همه دروغی را که گفته‌ایم، راست جلوه دهیم. علاوه بر اینها گول زدن به عنوان یک راه تربیتی و برای آرام نگه داشتن کودکان بکار می‌رود. بچه را از همان دوران شیر خوارگی که پستانک دروغین به دهانش می‌گذارند، گول می‌زنند، از همان موقع که می‌گوئید: باباش بیا، دیگر بچه‌ام گریه نمی‌کند، در حالیکه اصلاً بابا در آن حوالی نیست، گولش می‌زنند. همان وقتی که بچه زمین می‌خورد و بزرگترها زمین را کتک می‌زنند و به آن بدگویی می‌کنند که: ای فلان فلان شده بچه‌ام را زدی! یا اینکه رو به بچه کرده و می‌گوئید: « بلند شو، آخ نمک‌ها را ریختی» و بدین ترتیب بچه زمین خورده، مقصر هم می‌شود که نمک را ریخته است، گولش می‌زنند. وقتی برای آرام کردن گریه‌اش به او می‌گویند: « لولو میاد » و یا وقتی برای دست نزدنش به چیز ممنوعه‌ای می‌گویند:« نکن که کلاغ برای بابات خبر می‌برد » گولش می‌زنند. بعد که بزرگتر

می‌شود فقط نوع گول فرق می‌کند و الا همه جا موجود است. یک طفل معصوم باید مرتباً گول بخورد تا زمانی که خود یاد بگیرد چطور دیگران را گول بزند و یا گول دیگران را نخورد، که طبعاً در چنین جامعه و یا خانواده‌ای گول زدن و گول نخوردن در همه جا، در خانه و مدرسه، کوچه و بازار و خیابان و ادارات و. .. مانند یک مسابقه دائمی رایج است و هر کس برایش در تلاش است و جنبه تفریح و سرگرمی پیدا کرده است. همانطور که واضح است، گول زدن متکی و متبنی بر دروغ است. معمولاً دروغ مانند هر چیز بدی قبحی دارد که اگر عادی شد قباحتی برایش نیست و حتی ممکن است جزء محاسن هم بحساب آید و به همین دلیل از آن به عنوان یکی از آسیب‌های اجتماعی نام برده می‌شود که باعث بی‌نظمی‌های اجتماعی نیز خواهد شد و به همین خاطر بوده است که از قول داریوش بر کتیبه‌ای که گویا در تخت جمشید بوده چنین نوشته است: خدا این کشور را از دشمن، خشکسالی و از دروغ نگاه دارد، که این گفته بیانگر درجه اهمیت دروغ و دروغگویی و تأثیر آن در نظم عمومی و اجتماعی و خانوادگی است.

※ تحمیل تکالیف سنگین به کودکان و داشتن توقع بیش از طاقت آنها: وقتی از کودک توقع انجام کاری یا رفتاری را داشته باشید که فراتر از حد توانایی و ظرفیت جسمی و روحیش است، در حقیقت او را به سوی دروغگویی سوق داده‌اید، زیرا کودک وقتی از انجام وظیفه فوق طاقتی که بر عهده‌اش گذاشته‌اید،

برنمی‌آید، برای حفظ شخصیت خود یا جلب محبت شما به ناچار به دروغ پناه می‌برد و کم‌کم به آن عادت می‌کند. به همین خاطر است که رسول اکرم (ص) فرموده است: آنچه را کودک در قدرت داشته و انجام داده قبول کرده و آنچه که برایش سنگین است، از وی طلب نکنید تا فرزند دروغگو بار نیاید. همچنین این گفته که هر کسی را بهر کاری ساخته‌اند، نیز اشاره به سطح توانایی فکری و جسمی افراد وتوجه به آن در واگذاری مسئولیت‌ها و اندازه سطح انتظارات است. بعلاوه ابیات زیر نیز بیانگر توجه به قدرت و طاقت افراد در امور است:

چار پا را قدر طاقت بار نه
بر ضعیفان قدر قدرت کار نه
دانه هر مرغ اندازه وی است
طعمه هر مرغ انجیری کی است
طفل را گر نان دهی بر جای شیر
طفل مسکین را از آن نان مرده گیر
چون که دندانها بر آرد بعد از آن
هم به خود طالب شود آن طفل آن
مرغ پر نارسته چون پران شود
لقمه هر گربه دران شود
چون بر آرد پر بپرد او به خود
بی‌تکلیف، بی صفیر نیک و بد

※ احساس حقارت و ضعف شخصیت: کودکی که مورد اهانت واقع شده و تحقیر گردیده است، برای اینکه حس حقارت خود را برطرف سازد و دیگران را متوجه خود نماید، شاید به دروغگویی متوسل شود. شکل دیگر این تحقیر را می‌توان در روابط کودکان با همسالانشان یافت. کودکانی که نسبت به دوستان یا همسالان خود احساس کمبود می‌کنند و خود را زبون و هیچ می‌یابند، گاه برای جبران کمبودهایشان (نظیر شغل والدین، وضعیت مسکن، خوراک و پوشاک) به دروغگویی متوسل می‌گردند تا احساس حقارت خود را بطور موقت آرامش بخشند. افرادی که در جهات مختلف توانایی لازم را نداشته و خود را حقیر می‌بینند، تلاش می‌کنند به هر نحوی که ممکن است توجه دیگران را به خود جلب و ناتوانی خود را به این طریق جبران نمایند. از این رو به رفتارهای مختلفی از جمله دروغگویی دست می‌زنند و اغلب درباره خود، دیگران، حوادث و رویدادها دروغهای باور نکردنی می‌گویند.

※ عمل نکردن پدر و مادر به قول و وعده‌هایشان: این عمل در صورتیکه تکرار شود الگوی بدی برای کودک بوده و علاوه بر آنکه به کودک یاد می‌دهد دروغ بگوید، اعتماد و اطمینان والد/ فرزندی را از بین می‌برد. بنابراین نه به کودکان باید وعده داد و نه وعده گرفت زیرا پدر و مادر برای تأئید گفته خود مجبورند وعده بدهند. یعنی دارند اقرار می‌کنند که گفته‌های وعده داده نشده اعتبار نداشته و قابل اعتماد نیستند. در احادیث پیامبر اسلام (ص) هم یکی از

نشانه‌های افراد منافق خلف وعده و عمل نکردن به قول و قرار است. وعده‌ها باعث می‌شود که توقعات غیر واقعی در کودکان بوجود بیاید. از سوی دیگر نباید از کودکان وعده گرفت که در آینده رفتار خوب داشته باشند یا رفتار بدشان را اصلاح کنند. وقتی کودک وعده‌ای ناخواسته می‌دهد، وعده‌ای که متعلق به خود او نیست، در واقع چک بانکی می‌کشد که در آن بانک اصلاً حساب ندارد، در حقیقت نباید با این عمل، محرکی برای اعمال فریب آمیز کودک باشیم. بعلاوه والدین وقتی وعده‌ای می‌دهند و به آن عمل نمی‌کنند هم مثل چک بانکی است که می‌کشد که حسابش خالی است که دیر یا زود آن چک برگشت می‌خورد، وعده‌ها هم همین طور زمان موعودش فرا می‌رسد و کودک آنرا از والدین می‌خواهد، آنموقع است که با عدم عمل به آن هم والدین دروغ گفته و هم کودک می‌فهمد که دروغ گفته‌اند و خود نیز بعداً به آن عامل خواهد شد.

※ ترس از مجازات: اگر کودک بداند که اقرار به کاری که صورت گرفته، مجازات سختی به دنبال خواهد داشت، وادار می‌گردد دروغ بگوید در حقیقت کودک برای حفظ خود چاره‌ای جز انکار واقعیت ندارد. به گفته اندیشمندان هر قدر مجازات منظور شده برای عمل سخت‌تر باشد، ترس ناشی از آن زیادتر و انکار دروغ نیز شدیدتر خواهد بود. مثلاً موقعی که به کودک بگویند: شیشه اتاق را تو شکسته‌ای اگر کودک بداند که اعتراف او مجازات سختی را به دنبال خواهد داشت غریزه حفظ خود او را وا می‌دارد

که به دروغ بگوید: من نشکسته‌ام. کودک چون خود را در مقابل تنبیه طاقت فرسای والدین ناتوان می‌بیند برای حفظ خود چاره‌ای ندارد جز آنکه به دروغ پناه ببرد و گناه خود را انکار کند. بدیهی است هر قدر ترس از مجازات بیشتر باشد، اصرار کودک در دروغ بیشتر خواهد بود. افراد بزرگسال نیز از ترس اینکه اگر همیشه راست بگویند ممکن است موقعیت اجتماعیشان را از دست بدهند، لذا برای حفظ آن به دروغ متوسل می‌شوند. مچ گیری و بازجویی‌های والدین و مربیان آگاه باعث می‌شود که فرزندان و دانش آموزان واقعیت‌ها را کتمان نموده و به تحریف واقعیت‌ها روی آورند. تحقیقی که روی کودکان ٦ تا ١٤ ساله انجام شده نیز این مطلب را تأئید می‌کند. این پژوهش نشان می‌دهد که ۷۱ درصد علت دروغگویی افراد را ترس تشکیل می‌دهد.

※ عوامل روانی- اجتماعی: طبق تحقیقات عوامل محیطی نقش زیادی دارند. در خانواده‌هایی که دارای اختلافات درون خانوادگی می‌باشند، معمولاً کودکان دست به دروغگویی بیشتر می‌زنند، کمبود محبت و احساس محرومیت در جامعه و جلب توجه و ترحم اطرافیان نیز عامل محیطی مهمی است. در محیط‌هایی که دروغگویی وسیله‌ای برای بدست آوردن امتیاز است، کودک با تقلید از اطرافیان خود به این عمل مبادرت می‌ورزد. افراد ناآرام، بی‌قید، ترسو یا ابله، تمایل بیشتری به منفی بافی و دروغگویی نشان می‌دهند. برعکس افراد فعال، پرشور و موفق اجتماعی کمتر به

دروغگویی متوسل می‌گردند.

کودکی که در خانواده عملاً مورد تحقیر و بی‌اعتنایی بوده و روزگار خود را با محرومیت گذرانده است، بزرگترین لذتش خود نمایی و جلب توجه دیگران است. او با راستگویی و بیان حقایق واقعی هرگز قادر نیست افکار دیگران را متوجه خود کرده و اعضای خانواده را به خویش جلب کند، ناچار دروغ می‌گوید و گاهی دروغ‌های بزرگ و وحشت‌زا و هیجان‌آور می گوید، دروغی که تا چند دقیقه همه را متوجه او کرده و خانواده را به جوش و خروش وا می‌دارد. مثلاً با وحشت و اضطراب ساختگی می‌دود و فریاد می‌زند: خانه آتش گرفت یا خواهرم زیر ماشین رفت. مسلماً روش نادرست والدین و مربیان، کودک را به دروغگویی وا می‌دارد، بنابراین کسانیکه می‌خواهند فرزندان خود را به نیکی پرورش دهند و آنان را راستگو تربیت کنند، باید از اول به طرزی صحیح و عاقلانه به شخصیت آنان احترام بگذارند و از تحقیر و اهانت آنها که منشأ انحراف و طغیان است، بپرهیزند.

※ خشونت با کودکان: خشونت بخصوص کتک زدن آنها باعث می‌شود که بچه‌ها از پدر و مادر خود بترسند و از ترس به آنها دروغ بگویند. بزرگترین علت دروغگویی بچه‌ها همین ترس از بدرفتاری و خشونت بزرگترهاست.

※ توقع بیش از حد داشتن: عدم توجه به تفاوت‌های فردی در بین بچه‌ها عدم توجه به حد سنی و توانایی آنان در انتظاراتمان از

آنها نیز باعث دروغ گفتن آنها می‌شود، چون نمی‌توانند انتظار ما را برآورده سازند باعث دروغگویی آنها می‌شود. توقع بیش از حد والدین و معلم، کودک را به دروغ وا می‌دارد. والدین یا معلم به کودک می‌گویند چرا در درس ریاضی نمره ۱۷ گرفتی؟ توقع ما از تو نمره ۲۰ بود. کودک به دروغ می‌گوید وقت کم آوردم و. .. و در آینده ممکن است حتی ورقه خود را دستکاری و یا به تقلب در جلسه امتحان اقدام نموده، و یا حتی نمره ورقه خود را دستکاری و اصلاح کند.

※ ملامت و سرزنش زیاد و مقایسه دایم با کودکان دیگر: یکی از آفات ویرانگر تعلیم و تربیت مقایسه است. هیچ دو فردی هیچ وقت مثل هم نیستند. در قرآن هم اشاره شده است که انسان‌ها جور جور آفریده شده‌اند و زیبایی و تنوع خلقت هم به همین تنوع است. سرزنش و مقایسه بچه با کودکان دیگر سبب می‌شود که از یک طرف او خود را کمتر از دیگران بداند و احساس تقصیر، گناه و حقارت کند و برای سرپوش گذاشتن روی این احساس‌ها به دروغ خود را بهتر از آنچه که هست نشان دهد. از سوی دیگر مقایسه باعث می‌شود که کودک، از فردی که با وی مقایسه شده متنفر و یا نسبت به وی حسود شده و کینه او را به دل بگیرد و به همین دلیل همواره مترصد ضربه زدن به او باشد که به نوبه خود این حسادت و کینه توزی انسان را از رشد در مسیر تعالی باز می‌دارد.

※ مخالفت با کودک و امر و نهی زیاد به او جلوگیری مداوم از کارهایی که می‌خواهد انجام دهد، باعث لجبازی او می‌شود و لجبازی، دروغگویی کودک را به دنبال دارد.

※ خیال پردازی: خیال پردازی زیاد کودکان بخصوص در سنین پایین سبب می‌شود که بچه‌ها دروغ‌های عجیب و غریب بگویند. چون کودکان این دوره هنوز تفاوت بین واقعیت و خیال را بخوبی درک نمی‌کنند و گاهی آرزوها، نگرانی‌ها و خیال پردازی‌های خود را بصورت پیشامدهای واقعی تعریف می‌کنند.

※ انتقام‌جویی: کودک گاهی دروغ می‌گوید تا از دیگری انتقام بگیرد. مثلاً: سامان و ساسان دو برادرند. سامان در هنگام بازی اسباب بازی ساسان را تصاحب کرده و او را کتک می‌زند و چون ساسان توان مقابله با او را ندارد او را نزد پدر به دروغ خطا کار معرفی کرده و کارهای خلاف گذشته را که خود کرده را همه به سامان نسبت می‌دهد تا پدر او را توبیخ یا تنبیه کند و به این صورت انتقام بگیرد.

※ نحوه برخورد و بیان والدین و مربیان: گاهی نحوه بیان و برخورد والدین و مربیان با کودک او را به دروغ گفتن وا می‌دارد و به او دروغگویی را می‌آموزند. به عنوان مثال والدین به کودکی که مرتکب عمل خلافی شده اصرار می‌ورزند که او این کار را انجام نداده است بلکه دیگری مثلاً همسایه یا دوست یا برخی موجودات خیالی سبب آن بوده‌اند. در این حالت والدین علاوه بر آنکه کودک

را دروغگو بار می‌آورند او را به گریز از قبول مسئولیت رفتارش نیز وا می‌دارند.

※ فشار برای گفتن جزئیات: فشار والدین و مربیان برای گفتن جزئیات دقیق یک امر، غالباً کودک را تشویق به دروغگویی می‌کند. گاهی در زمان وقوع رویدادی و یا بیان موضوعی چون کودکان نمی‌دانند کدام قسمت آن مهم است چندان به آن توجهی نکرده و از سوی دیگر بخاطر محدودیت توجه همزمان کودکان به کلیه جوانب و نیز محدودیت ظرفیت حافظه امکان یادآوری کلیه جوانب به دقت وجود ندارد و وادار کردن کودکان به بیان این جزئیات باعث افزودن مطالب و مواردی به آن از سوی کودک شده و به این ترتیب به دروغگویی عادت می‌کند.

※ عادت: گاهی دروغگویی به خاطر عادت است، خصوصاً اگر به کودکی لقب و برچسب « دروغگو» داده شود. چون در این صورت او این نقش را بصورت ناخودآگاه به خود می‌گیرد.

راههای پیشگیری از دروغگویی

از قدیم گفته‌اند که پیشگیری مقدم بر درمان است. این مطلب هم در بیماریهای جسمانی و هم در بیماریهای روانی و اختلالات رفتاری و عادتی صادق است، چون علاوه بر دلایل متعدد و مهم دیگر، پیشگیری از لحاظ اقتصادی به صرفه‌تر از درمان است و به همین دلیل به راحتی قابل اجراست. از سوی دیگر از آلودگی‌های

اولیه جلوگیری می‌کند، چون در ابتلاء و درمان، احتمال عود آن وجود دارد، در مورد دروغگویی نیز چنین وضعیتی وجود دارد. دروغگویی در نهایت هم برای کودک و هم برای جامعه (چنانچه بصورت مستمر بروز کند) زیانهای فراوانی در بردارد. اگر خوب به حرفهای کودکان گوش بسپاریم، آنچه را که دروغگو سعی در پنهان کردنش را دارد، آشکار می‌شود، واکنش کامل و پخته نسبت به یک دروغ بیشتر باید درک مفهوم آن دروغ را منعکس سازد نه انکار مفهوم آن یا محکومیت فرد دروغگو را. در حقیقت، از طریق اطلاعاتی که از دروغ‌ها کسب می‌کنیم، می‌توانیم به کودکان کمک کنیم تا واقعیت‌ها را از افکار پوچ و خیالی تشخیص دهد.

موارد زیر راهکارهایی بمنظور پیشگیری از دروغگویی هستند:

※ والدین نباید سؤالاتی از کودکان بپرسند که کودک به منظور دفاع از خود پاسخ دروغ به آنها بدهد. کودکان از اینکه پدر و مادر از آنها سؤال و پرس و جو کنند، متنفرند، بخصوص هنگامیکه گمان می‌کنند والدینشان از قبل پاسخ‌ها را می‌دانند.

※ دروغ‌های مؤدبانه نگویید: سبب دروغگویی کودکان غالباً این است که در محیط خود از پدر یا مادر و معاشران دیگر، سخنان نادرست می‌شنوند. مثلاً شما در حضور کودک از خانم یا آقایی تمجید و ستایش می‌کنید، ولی به محض اینکه آن شخص دور شد، پشت سر او با همسرتان در مورد وی بدگویی می‌کنید. اگر واقعاً از صفت بخصوصی از آن شخص خوشتان نیامده بود لزومی نداشت

که چیزی بگویید. اگر هم واقعاً نکته مثبت را در او دیده بودید، چرا به همسرتان آنطور می‌گویید؟ بچه‌ها این ضد و نقیض صحبت کردن شما را می‌شنوند و شما را دروغگو حساب می‌کنند. مثال دیگر، مثلاً در هفته گذشته بی اندازه مشغول بودید وبه کودک یا همسر خودت گفتید: امیدوارم هیچکس حتی نزدیکترین دوست و یا فامیل به دیدنم نیاید، هنوز سخن در دهانتان بود که دوستتان همراه سه فرزندش به منزل شما آمدند و چون چشمتان به آنها افتاد با زبان هر چه فصیح‌تر شروع به تعارف کرده، گفتید: بسیار خوشحالم که تشریف آوردید، قدم روی چشم، همین الان ذکر خیر شما بود، بفرمائید. در هر صورت بچه شما درک می‌کند که حرف‌هایتان از روی صداقت نیست یا مثلاً زمانیکه تلفن به صدا در می‌آید و به فرزندتان می‌گوئید که اگر مرا خواستند، بگو در منزل نیستم که گاهی از بدشانسی شما، بچه شما عین کلام شما در گوشی تکرار می‌کند و می‌گوید بابام میگه بگو منزل نیستم. پس هشیار باشید که چه نمونه و سرمشقی می‌گذارید چونکه مثال و نمونه عملی برای کودکانتان هستید. در واقع کودکان تصویر و کپی والدین هستند اما تصویر اعمال و رفتار نه گفتارشان بنابراین اگر به بچه‌ها بگوئیم که دروغ نگویند اما در عمل مبادرت به دروغ کنیم حرف ما تأثیر نخواهد کرد.

※ سوالات دام نپرسید: کودکان از سؤالاتی که نقش دام دارند، بیزارند. سؤالاتی که وادارشان می‌کند که ناشیانه دروغ بگویند یا

حقیقت را بر زبان بیاورند و خجالت بکشند. سؤالات دام سؤالاتی است که جواب آن را نیز می‌دانید. مثلاً مقداری شیرینی در یخچال بوده و کودک بدون اجازه مقداری از آن را برداشته و خورده است و ذره‌ای روی دهانش مانده بطوریکه شما مطمئن هستید او شیرینی‌ها را برداشته و خورده است و با این سؤال او را به دروغ گویی وادار می‌کنید که چه کسی شیرینی را خورده است؟ این اصل در اصل ایجاد فرصت و فرصت سازی برای دروغگویی کودکان است.

※ در خلوت و در وضعیت کاملاً آرام و صمیمی باید مضرات دروغگویی برای کودک تشریح گردد و به کودک اجازه داد آزادانه احساساتش را بیرون بریزد و در چنین فضای روانی آزاد باید به کودک آموخت با احساساتش برخورد واقع بینانه نمود و از آنها شرم ننماید و آنرا با احساسات خوشایند جایگزین سازد.

※ در تربیت فرزندان خود ملایمت و مهربانی را اساس قرار دهید، اگر والدین، فرزندان خود را با اصول مهر و مودت پرورش دهند، اگر خانواده کانون عطوفت و رأفت باشد، اگر والدین انصاف داشته باشند و به وظایف خود در مورد فرزندان خود توجه کنند، بچه‌ها در برابر تخلفات خود دروغ نمی‌گویند و نیاز ندارند از راههای غیر معمول و غیر طبیعی توجه والدین را جلب نمایند.

※ پدر و مدر و مربیان در کارها، قدرت و نیرو و عادت کودکان را در نظر بگیرند و چیزی که فوق طاقت و توان آنهاست، بر آنها تحمیل نکنند، چون کودک از رنجش مربی و اینکه مربی او را تنبل

و نالایق بشناسد، واهمه دارد. لذا وقتی از انجام کار فوق طاقت خود عاجز ماند، ناچار برای حفظ شخصیت به دروغ پناه می‌برد و در اثر تکرار، دروغگو می‌شود.

※ هرگز به کودک قول یا وعده‌ای ندهید که قادر به انجام آن نیستید، زیرا کودک توجیهات شما را درک نکرده و شما را به دروغگویی متهم خواهد کرد. اگر مجبورید وعده بدهید، دقت کنید اولاً به اندازه و ارزش آن کار باشد که او انجام می‌دهد دوم اینکه حتماً به آن عمل کنید.

※ کودکان خود را هرگز با هم مقایسه نکنید، زیر هم حس حسادت را در او رشد داده‌اید و هم او را تحقیر نموده‌اید. باید کودکان را با وضعیت قبلی و فعلی خودشان مقایسه نمود و پیشرفت آنها را در مورد توجه قرار داد. در غیر اینصورت کودک برای ارضای حس خود نمایی خود و نشان دادن عرضه خویش به دروغ گفتن متوسل خواهد شد.

※ ازطرح پرسش‌هایی که کودک به احتمال قوی به آنها پاسخ نادرست خواهد داد خودداری کنید.

※ اگر کودک پی ببرد که والدین و مربیان او را برای دروغگویی تشویق و برای راستگویی تنبیه نمی‌کنند به تظاهر در رفتار و جعل واقعیت نخواهد پرداخت.

※ نشان دادن ارزش راست گفتن: در وهله اول کودک باید دریابد که دروغگویی کار نادرست و ناپسند و راستگویی عملی

باارزش و پسندیده است. کودک باید ارزش راست گفتن را در عمل تجربه کند. والدین و مربیان نباید در برابر دروغهای کودکان برآشفته شوند و او را کتک بزنند. بیان نتایج زشت و تلخ دروغگویی به صورت داستان برای آنها می‌تواند در آموزش عواقب تلخ دروغگویی مفید واقع شود. همچنین اگر والدین و مربیان‌کودک را در خلوت (نه در جمع) در جوی محبت آمیز و پر عطوفت با مضرات و نتایج دروغگویی آشنا سازند وبه پند دادن او بپردازند، در جلوگیری و نیز درمان دروغگویی می‌تواند مؤثر باشد.

※ اجازه بیان احساسات: کودک باید احساسات خود را آزادانه ابراز کند و در صورتی که بیان احساسات، باعث آزار و اذیت اطرافیان شود باید به کودک آموخت که به تدریج این احساسات را جایگزین احساسات خوشایند سازند و نباید برای احساساتش تنبیه شود. برای نمونه اگر کودکی از برادر کوچکش خوشش نمی‌آید، باید به او اجازه داده شود که احساساتش را بیان کند، پس از شنیدن نظر کودک، والدین باید ضمن تحلیل رفتار خود با کودک و یافتن علل پیدایش چنان احساسی به راهنمایی کودک و تغییر رفتار و احساسات او مبادرت ورزند. در مواردی که کودک مرتکب کار خطایی شده ولی راست می‌گوید، باید به ملایمت و بطور صحیح به او تذکر داده شود که رفتارش درست و پسندیده نیست و باید آن را تغییر دهد. هشدار به کودک، همدردی با او در مواردی که لازم است، نادیده گرفتن حرفهای کودک و بی‌توجهی به آنها از

روشهایی است که در مواقع مشخص می‌تواند برای پیشگیری و درمان دروغگویی کودکان استفاده شود. بنابراین لازم است به کودک اجازه داده شود حالات و احساسات منفی و مثبت خود را آزادانه بیان کند و بدون ترس و واهمه بگوید از چه کسی یا چه چیزی خوشش می‌آید یا متنفر است.

※ تعدیل انتظارات از کودکان: والدین و مربیان باید از هر کودک انتظاراتی داشته باشند که با واقعیات و امکانات او منطبق است و در غیر این صورت، دروغگویی کودک تقویت و تشدید خواهد شد. چون کودک توان عملی ساختن خواسته‌های اطرافیان را ندارد به گفتن دروغ متوسل می‌شود، بنابراین باید از کودک انتظارات در حد توانش داشته باشیم.

※ به فرزندتان کمک کنید تا خودش را دوست داشته باشد. کودک را مطمئن کنید که او را همانطور که هست دوست دارید و به او اطمینان دارید و دروغگویی این اطمینان را خدشه دار می‌کند. باید به او اعتماد کنید تا احساس و تصویر خوبی از خود داشته باشد. در نتیجه فرزند شما اعتماد به نفس را در خود تقویت می‌کند، قبول خواهد کرد که خود را همانگونه که هست دوست داشته باشد و سعی نکنید یک شخص ایده‌آل و غیر واقعی از خود بسازید.

※ به فرزندتان کمک کنید تا واقعیت را از تصور جدا کند: توجه داشته باشید که ما بین دروغگویی و رؤیا دیدن (تصور) تفاوت است. گاهی کودک آنقدر در خواب و خیال است که مرز

بین دنیای حقیقی و رؤیایی را نمی تواند تشخیص دهد و به این دلیل صحبت‌هایی می‌کند یا داستانهایی سر هم می کند. گاهی دروغ می‌گوید تا آنچه را واقعیت ندارد، در خیال بدست آورد می توان به کودک کمک کرد تا واقعیت‌ها را از افکار خیالی جدا کند.

※ به فرزندتان کمک کنید تا احساس بهتری از خود داشته باشد: طبیعت کودک ساده و پاک است این خانواده و محیط است که او را وادار به دروغگویی می کند. آنها خود نیز دوست ندارند دروغ بگویند و اگر شرایط طوری فراهم شود که شخصیت اصلی خود را بیابند و نیازی به دروغگویی نداشته باشند، احساس بهتری خواهند داشت.

※ فرزندتان را تشویق کنید تا حقیقت را بگوید: وقتی کودکتان حقیقت را می‌گوید با گفتن جملات به او پاداش دهید. بگویید وقتی حقیقت را می‌گویی خوشحال می‌شوم. متشکرم که واقعیت را گفتی چون گاهی اوقات کودک دروغ می‌گوید چون اجازه ندارد حقیقت را بگوید یا می‌داند که به دردسر می‌افتد.

※ برای حقیقت گویی، مدل او باشید: اگر شما خودتان دروغ بگویید یا قول هایی به او بدهید و عمل نکنید. اهمیت حقیقت گویی را نخواهد فهمید. بچه ها در هر سنی نیاز دارند که حقیقت را از والدینش بشنوند ممکن است تفهیم مطلب به کودکتان مشکل باشد ولی سعی کنید مطابق با سن او کلماتی پیدا کنید که دور از حقیقت نباشد.

※ برای اطمینان از حقیقت گویی فرزندتان، کار او را کنترل نمایید: به جای اینکه از کودک خود سئوال کنید آیا تکالیفش را انجام داده یا نه، بخواهید تا آن را به شما نشان دهد. این کار به او نشان می‌دهد که شما تکالیفش را کنترل خواهید کرد، اگر نیمه کاره است او را تشویق کنید تا تمامش کند، در این صورت قبل از اینکه احتمالاً کودک برای دوری جستن از دردسر متوسل به دروغ شود زمینه را برای دروغ مهیا نکرده اید.

※ مثالهای زنده ای برای کودک تعریف کنید: مثالهایی از زندگی واقعی و ماجراهایی که برایتان پیش‌آمده تعریف کنیدکه چگونه گفتن حقیقت ورفتن راه مستقیم‌کمک به‌حل مسئله‌ای‌کرده است.

※ نقل داستانهای حقیقی: هنگامیکه طفل در نخستین مراحل زندگی است، باید مهم ترین قدم را برداشته یک ایده‌آل شریف و عالی در نهاد وی ایجاد نمود تا به راستگویی عادت و از دروغگویی دوری کند. بهترین روش برای عملی نمودن این منظور، نقل داستانهای حقیقی و شرح زندگی رادمردان درستکار و راستگو می‌باشد. شنیدن ماجرای چند قهرمان که در سخت ترین تجربیات خود راستگویی را پیشه خود ساختند و حتی برای رهایی از مرگ نیز به دروغ متوسل نگشتند، کودک را بر می انگیزد که شخص راستگو را تحسین و فضیلت راستگویی را ستایش کند. همچنین نقل داستانهایی که مربوط به دروغگویی و نتایج ناگوار آن باشد، بچه را وا می دارد که نسبت به آن صفت زشت با چشم تحقیر بنگرد.

※ تنبیه را از شیوه‌های تربیتی خـود حـذف کنیـد: چـون تنبیـه مشکل را موقتاً از بین می برد و تا زمانیکه عامل تنبیـه حـضور دارد آن رفتار انجام نمی‌شود، همچنین باعث حالت تنفر به تنبیـه کننـده می شود.

※ سعی کنید خودتان بـه عنـوان والـدین هرگـز دروغ نگوییـد. متأسفانه بعضی از دروغ هـای جزئـی والـدین الگـوی بـدی بـرای فرزندان است، زیرا آنان یاد می گیرند که گاهی می توانند از گفتن حقیقت طفره روند.

※ چنانچه فرزندتان کار اشتباهی انجام داد و شما متوجه خطای او شدید، با پرسش‌های موشکافانه و مکرر خود، او را تحت فـشار قرار ندهید، زیرا او را به سوی دروغگـویی سـوق خواهیـد داد. در چنین شرایطی که مطمئن هستید او کار خطایی انجـام داده، اشـتباه عملش را به او گوشـزد نماییـد و او را راهنمـایی کنیـد تـا دوبـاره مرتکب آن نشود.

※ مراقب رفتارهای خود هنگام پرسش و بازخواست از کـودک باشید. اگر چهره‌ای عصبانی و خشمناک داشته باشید، ممکن اسـت او از ترس پیامدهای ناخوشایند رفتار شما، مجبـور بـه دروغگـویی شود و مجبور است با دروغهای متوالی و بزرگتر دروغهای کوچک و اولیه خود را پوشش دهد. در حالی که می‌توانید با چهره صمیمی و ملایم خود، او را به راستگویی تشویق کنید.

※ هیچ گاه خطاهای معمولی فرزندتان را با خـشم و عـصبانیت

شدید جواب ندهید و زمانی که او به اشتباه خود پی برده است، سعی نکنید با شرمنده کردن بیش از اندازه او رعب و وحشت بی مورد در دل کودک ایجاد کنید، زیرا او تصور خواهد کرد که اشتباهات روزانه او موجب برانگیختن شما خواهد شد و از ترس این که مبادا در آینده شما را ناراحت کند، ترجیح دهد، دروغ بگوید.

※ درباره ارزش صداقت، درستی و راستی با فرزندتان صحبت کنید به او یاد بدهید که حرف دروغ خریداری ندارد و پس از مدتی که دوستانش به دروغگو یی های مکرر او پی ببرند، اعتمادشان نسبت به او سلب خواهد شد و دیگر گفته های او را باور نخواهند کرد(همانطور که گفته می شود ماه برای همیشه پشت ابرها پنهان نمی ماند) علاوه بر آن، کسب مجدد اعتماد آنها نیز کاری مشکل و سخت است.

※ هرگز فرزندتان را دروغگو خطاب نکنید، زیرا او این صفت و برچسب را به خود خواهد گرفت و پس از مدتی با درونی ساختن این ویژگی تبدیل به یک دروغگو خواهد شد. در عوض همیشه این اطمینان و اعتماد را به او بدهید که می تواند تمام صحبت ها و نظراتش را به راحتی با شما در میان گذارد.

※ دقت کنید ببینید فرزندتان در چه مواردی دروغ می‌گوید، شاید با شناخت بهتر فرزندتان بتوانید مشکل او را حل کنید و مانع از شدت رفتار او شوید.

※ احترام به حریم خصوصی کودک و یا نوجوان گاهی می

تواند مانع از دروغگویی آنان شود، والدین باید در عین آنکه مراقب رفتار و اعمال فرزندشان هستند، اعتماد و صمیمیت آنها را نیز به خود جلب کنند.

※ به کودک بگویید که احساس او را درک می‌کنید و می‌دانید که کودک دوست دارد گاه آرزوهایش به حقیقت بپیوندند. برای مثال، وقتی می گوید: « بهترین فوتبالیست مدرسه است» به او بگویید که می‌فهمید او دوست دارد که بهترین باشد.

※ سعی کنید همیشه درصدد یافتن راه حل مشکل باشید و نه سرزنش و شماتت کودک.

※ برای کودک توضیح دهید زمانیکه ما راست می‌گوییم، دیگران به ما و گفته‌هایمان اعتماد می‌کنند و افکار و رفتارشان را بر پایه صحبت‌های ما بنا می‌کنند. اگر یک نفر مدام دروغ بگوید، هیچکس حرف او را قبول نخواهد کرد و خیلی زود از جمع دوستانش طرد خواهد شد.

※ زمانیکه فرزندتان به رغم اینکه گفتن حقیقت برایش سخت و ناگوار است، راست می گوید، حمایت و توجه لازم را نسبت به این رفتار پسندیده او ابراز کنید. اغلب کودکان دوست دارند که والدینشان از این کار آنها قدردانی کنند. اگر آنها بفهمند که از طریق راستگویی می توانند توجه اطرافیانشان را جلب کنند، مطمئن بدانید که همیشه حقیقت را خواهند گفت.

※ با فرزندتان روراست و یک رنگ باشید. سعی کنید هر روز

چند دقیقه‌ای را برای گفت و گوهای دو نفره اختصاص دهید. کودکان اغلب تمایل دارند آنچه که موجب ناراحتی و دلخوری آنها شده است با والدینشان در میان گذارند. برای مثال وقتی او از درس ریاضی نمره پایینی می گیرد، سعی کنید بدون آن که او را مورد شماتت و سرزنش قرار دهید، احساسات و گفته های او را بپذیرید و این امکان را برای او بوجود آورید که اگر بار دیگر قصد داشت مشکلش را در کمال صداقت با شما در میان گذارد، بدون کمترین ناراحتی این کار را انجام دهد.

※ روش دیگر برای تشویق کودک به راستگویی آن است که علاقه و اعتماد خودتان را به او نشان دهید. با توجه نشان دادن نسبت به کارها، فعالیت ها و برنامه های روزانه کودک و پرس و جو درباره آنچه برای او اهمیت دارد، به راحتی می توانید به نقطه ضعف ها و کمبودهای او پی ببرید.

※ هیچ گاه کودک را برای « راست گفتن » تهدید نکنید، زیرا او را مجبور می کنید که گاهی راست نگوید. هدف ما این است که بچه ها به حقیقت احترام بگذارند، نه آن که از ترس تهدیدهای ما راست بگویند.

※ به کودکانتان به اندازه کافی محبت کنید. در تربیت فرزندان عشق و محبت شاه کلید کلیه مشکلات است و هر گاه با دل و محبت با فرزندان رابطه داشته باشید، مطمئن باشید آنها را بیمه کرده است و هر جا آسیب یا هنجاری اتفاق بیفتد، کمبود محبت

نمود داشته است.

※ دروغگویی مانند هـر رفتـاری، دارای علـل و انگیـزه هـایی است. از این برای جلوگیری و رفع این رفتار، باید علت یا علـل آن را پیدا کرد.

※ اگر می خواهید کودک شما راستگو و درستکار باشـد، بایـد به همان اندازه که آمادگی شنیدن حقایق شیرین و دلپسند را داریـد، آمادگی شنیدن حقایق تلخ را نیز داشته باشید.

※ همانطور که دوست دارید دیگـران شـما را درک کننـد و در حل مشکلات یاورتان باشند، کودکان نیز چنـین انتظـاراتی دارنـد، باید کودک را درک کرد و با همدردی و مهربانی بـه او فهمانـد کـه مجبور نیست دروغ بگوید.

※ کودک را مورد تـشویق قـرار دهیـد، بخـصوص در حـضور دیگران، تا بفهمد مورد علاقه اسـت و دوسـتش داریـد، تـا بـرای جلب توجه و خود نمایی، مجبور به بروز رفتارهای ناشایـست، از جمله دروغگویی نشود.

※ کودک باید در خانواده از احتـرام کـافی و پـذیرش مطلـوب برخوردار باشد تا اعتماد به نفس در او تقویت شود. عدم احترام بـه کودک سبب ضعف شخصیتی او می شود در نتیجه برای جبران این ضعف به دروغگویی روی می‌آورد.

※ کودکتان را با تمام استعدادها و توانایی هایی که دارد بپذیرید و آنچه را که انجام می دهد، قبول کنیـد و از واگـذاری کـاری کـه

بیش از طاقت اوست خودداری کنید.

※ از کودک نخواهید جزئیات یک ماجرا را بطـور دقیـق بـازگو کند، زیرا همانطور که قبلاً گفتـه شـد کودکـان اغلـب جزئیـات را فراموش می کنند بنابراین اگر به او فشار وارد شود، بـرای فـرار از این امر ناگزیر به دروغگویی می پردازد.

※ انگیزه دروغگویی در کودک ایجاد نکنید، یعنی وقتی چیـزی برایتان معلوم است برای مچ گیری از کودک سئوال نکنید، مثلاً اگر می دانید مشق هایش را ننوشته است از او نپرسید آیا مشق هایت را نوشته ای ؟ این سؤال بی جا و سئوالات مشابه آن در کودک انگیزه ایجاد می کند.

※ هرگز به کودک خود قول یا وعده ای ندهید که قادر به انجام آن نباشید زیرا کودک توجیهات شـما را درک نکـرده و شـما را بـه دروغگویی متهم خواهد کرد.

※ هرگز سعی نکنید با ایجاد ترس و سلطه جویی کـودک را از دروغ گفتن باز دارید.

※ اگر به کودکتان توجه کافی داشته باشید، اگـر او را بـیش از حد زیر ذره بین نگذارید، اگر با او صادق و صمیمی باشـید، اگـر برای او فضای امن و اطمینان بخش فراهم کنیـد، او چـرا بایـد بـه شما دروغ بگوید ؟

درمان دروغگویی

سعی والدین و مربیان بر این است که کودکان به دروغگویی مبتلانشوند، اما چنانچه کودکان به دلایل متعدد، دچار این عارضه شوند، می توان به روش های زیر باوری برخورد کرد:

※ وقتی کودک شما دروغ می گوید، خونسردی خود را حفظ کنید: اگر برخورد شما با مسئله ای همراه با هیجان و عصبانیت باشد، باعث خواهد شد که دفعه بعد برای اینکه شما خشم نیایید، مسئله را بصورتی که خوشایند شما باشد، با دروغ بیان کند و یا برای پوشش دادن این دروغ به دروغ بزرگتر متوسل شود.

※ راستگویی را با او تمرین کنید: وقتی فرزند شما دروغ می گوید، به او بگویید بگذار ببینم گفتن حقیقت در این مورد به چه صورت می تواند باشد، لطفاً بگو: بله مامان، بابا من توپ را به طرف پنجره پرت کردم و باعث شکستن آن شدم، کودک نباید برای دفاع از خودش دروغ بگوید، بلکه باید به او تفهیم کرد که نیازی به گفتن دروغ نیست.

※ کودکان را بخاطر دروغگویی محکوم نکنید: به کودکتان برچسب دروغگو نزنید. این برچسب به او یک باور منفی از خودش می دهد و خود را ناچار به دروغگویی می بیند.

※ رفتار و شخصیت کودک را از هم جدا کنید. مثلاً اگر دروغ گفت نگویید تو همیشه دروغگو هستید و قابل اعتماد نیستید، بلکه رفتار دروغگویی را ضمن قبول شخصیتش محکوم کنید تا در صدد

رفع آن رفتار برآید نه این که کل شخصیتش را بر باد رفته احساس کند.

※ در صورت مشاهده دروغ، شتاب زده عمل نکنید و به تنبیه کودک مبادرت نکنید. سعی کنید اول دلیل و یا دلایل دروغگویی را با توجه به دوره و مقطع سنی بررسی و شناسایی نمود، و در رفع آن عوامل ایجاد کننده اقدام کنید.

※ والدین و مربیان باید واقعیات را بپذیرند و برای شنیدن موارد شیرین و تلخ از طرف کودکان آماده شوند و با رفتار خود به کودک بیاموزند که گفتن واقعیات به هر صورتی که باشد مقبول است و موجبات تنبیه و آزار کودک را فراهم نخواهد کرد.

※ باید به این نکته توجه شود که درمان دروغگویی احتیاج به گذشت زمان دارد، زیرا از بین بردن یک رفتار زشت و جایگزین کردن خُلق نیک و شایسته، با یک بار و چند بار امکان پذیر نیست، باید افراد را تشویق نمود تا مدتی به اعمال نیک و شایسته بپردازند و از کار زشت مانند دروغ دست بردارند. از سوی دیگر والدین و مربیان باید در جعبه ابزار تربیتی خود موارد جایگزین را داشته باشند که بتوانند رفتارهای نیکو را جایگزین رفتارهای ناپسند نمایند.

دیدگاه اسلام در مورد دروغ

اسلام دروغ و سوگند دروغ را از آفات زبان و گناه زشت و عیب فاحش می داند. در مورد آن همانند سایر موارد اجتماعی دستورات و تأکیدات صریحی دارد. اسماعیل بن واسط می گوید از

ابوبکر صدیق (رض) شنیدم و در حین سخنرانی فرمود:

پیامبر (ص) در این جایگاه ایستاد و گریست و گفت: اِیّاکم وَ الکَذِبَ فَاِنّه معَ الفُجورِ و هُما فی النّار: از دروغ بپرهیزید زیرا دروغ با معصیت است و مرتکب هر دو در آتش اند. و ابو اُمامه روایت می کند که پیامبر (ص) فرمود: اِنَّ الکَذِبَ بابٌ مِن اَبوابِ النفاق: دروغ دری است از درهای نفاق. حسن بصری می گوید: چنین آورده‌اند که نفاق علامت اختلاف سرّ و علانیه، قول و فصل و مدخل و مخرج است و اصلی که بنای نفاق برای آن است. دروغ می باشد پیامبر اسلم (ص) می فرماید: کَبرُ خیانه اَنْ تُحدِّثَ اَخاک حدیثاً هُوَ لکَ بِهِ مُصَدِّقٌ و انتَ بِهِ کاذِبٌ: این خیانت است که هنگامیکه با برادرت سخن می گویی و او به تو اعتماد کند تو با او دروغ بگویی.

پیامبر اسلام (ص) در جایی عبور می کرد که دو مرد در حال معامله یک رأس گوسفند بودند و در معامله قسم می خوردند و پس از مدتی معامله انجام شد، پیامبر (ص) فرمود یکی از ایشان بزهکار و محتاج کفارت است. همچنین پیامبر اکرم (ص) می فرماید: ثَلاثَهُ نَفرٍ لا یُکَلِّمُهُمُ اللهُ یَوْمَ القیامه و لا یَنْظُرُ اِلَیهم. اَمَنّانُ بِعَطِیَّه و المُنْفِقُ بِالحَلْفِ الفاجِرِ سِلْعَتَهُ و المُسْبِلُ اِزارَهُ: سه نفرند که حق تعالی روز قیامت با ایشان سخن نگوید و در ایشان نظر نفرماید: منت نهنده به عطا، رایج گرداننده کالا به سوگند دروغ و فرو گذارنده ازار.[1] (کسی که با تکبر راه برود).

همچنین پیامبر (ص) می فرماید: وَیلٌ لِلَّذی یُحَدِّثُ فَیَکْذِبُ لِیُضْحِکَ بِهِ القَومَ، وَیلٌ لهُ، وَیلٌ لَه: وای بر آن کس که سخن دروغ گوید تا مردمان را بخنداند، وای بر او، وای بر او.

نیز پیامبر (ص) در حال تکیه می فرماید: اَلا اُنَبِّئُکُم بِاَکبرِ الَبائر ؟ اَلا شُراکُ بِالله و عُقوقُ الوالِدَیْن: خبر دهم شما را که بزرگترین کبائر کدام است ؟ شرک آوردن به خدا و عقوق پدر و مادر، پس نشت و فرمود: اَلا وَ قَولُ الذّور: بدان که سخن دروغ نیز. ابن عمر روایت می کند که پیامبر (ص) می فرماید: انّ العَبدَ لَیَکْذِبُ الکذْبَهَ فَیَتَباعَدُ المَلَکُ عَنهُ مَسیرَهَ میل مِن نَتْن ما جاءَ بِه: بنده دروغ گوید و از او فرشته یک مایل دور شود بخاطر بدبویی آنچه که گفت.

حضرت علی (ع) می فرماید: بزرگترین گناهان نزد حق تعالی زبان دروغگویی است و بدترین پشیمانی پشیمانی روز قیامت.

باز پیامبر (ص) می فرماید: برای من شش چیز قبول کنید، من برای شما بهشت را مژده می دهم: گفتنند آن شش چیز؟ فرمود: چون یکی از شما سخن گوید باید که دروغ نگوید و چون وعده داد باید که خلاف وعده نکند و چون به وی امانتی داده شد در آن خیانت نکند، چشم فرو خوابانید، و دستها باز دارید و فرجها نگاه دارید.

منابع

- آتش پور، سید حمید، ماهنامه تربیت، سال پانزدهم. شماره ۵، بهمن ۱۳۸۷
- ایزدی، علی محمد، نجات، جلد ۱ و ۲، انتشارات قلم، چاپ اول، زمستان ۱۳۶۹
- دهنوی.حسین، نسیم مهر (۱)، ناشر محدث، چاپ بیست و نهم، پاییز ۱۳۸۶
- شرفی، محمدرضا، مشکلات تربیتی را چگونه حل کنیم. انتشارات تزکیه، چاپ دوم، بهار ۱۳۷۷
- عابدی، محمدرضا، گوهری انارکی، مسعود، نسخه های راهنمای خانواده، جلد اول، انتشارات جهاد دانشگاهی اصفهان، چاپ اول ۱۳۷۶
- عبدالفتاح طیاره، عفیف، گناهان و لغزش از دیدگاه اسلام. ترجمه محمد صالح سعیدی، نشر احسان، ۱۳۷۷
- غزالی، امام ابوحامد محمد غزالی، احیاء علوم الدین، جلد ۳، ترجمه مؤید الدین محمد خوارزمی، به کوشش حسین خدیوجم، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ سوم، ۱۳۷۴
- فرقانی رئیسی، شهلا، شناخت مشکلات رفتاری در کودکان و نوجوانان، معاونت پرورشی وزارت آموزش و پرورش، چاپ دوم، ۱۳۷۴
- قاسم زاده، فاطمه، چرا بچه ها دروغ می گویند ؟ معاونت پیشگیری سازمان بهزیستی، ۱۳۷۳.
- کسائیان (قندی)، مینو، مترجم (جری و یک آف – بار بارا یوفل با مولف)
- مشکلات رفتاری کودکان ۶ تا ۱۲ ساله، سازمان انتشارات کیهان، چاپ اول ۱۳۸۷